



Strategic Model of Economic Passive Defense in Pursuit of Resistance Economy

Davood Nasrabadi¹, Seyyed Mahdi Mousavian^{2*}

1. Ph.D., Department of Monetary Economics, Faculty of Economics, Imam Sadiq University, Tehran. Iran.
Email: 86economist@gmail.com

2. Ph.D., in Department of Economic, Faculty of Economics & Management, University of Tabriz, East Azarbaijan. Iran.
Corresponding Author. Email: me.mousavian@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 26-04-2021
Accepted: 04-02-2022

Keywords:
Economic passive defense, Resistance economy, Strategy, SWOT-ANP model.

Abstract

With the occurrence of the Islamic Revolution and the existence of a conflict in the type of worldview and its ideology with the worldview and ideology propagated in the West, the Iranian economy is in a state called economic war. Then, there is a need to present strategies called economic passive defense. In this study, Emphasizing sanctions as a tool of economic warfare, resistance economics has been considered as an upstream document and standard for developing economic passive defense criteria in accordance with the conditions of Iran's economy. In this study, after interviewing elites and experts in the field of resistance economics and economic passive defense, Components and criteria of economic passive defense model identified as strengths, weaknesses, opportunities and threats in the areas of deterrence, vulnerability reduction and continuity of activities in the form of SWOT table. Finally, the ANP method is used to analyze and rank the strategies in the form of SWOT-ANP method. According to the results, 15 strengths, 26 weaknesses, 9 opportunity points and 10 threat points were identified. The results showed that among the main criteria, the weakness with a weight of 0.316 is first, the strength is second (0.298), the criterion of opportunity is third (0.237) and the criterion of threat is fourth (0.149). Also among the 4 strategies identified, WO strategy with a weight of 0.4 ranked first, WT strategy ranked second (0.23), SO strategy ranked third (0.209) and ST strategy with a weight of 0.157 ranked fourth.

Cite this article: Nasrabadi, D., Mousavian, S. M. (2023). Strategic Model of Economic Passive Defense in Pursuit of Resistance Economy. *Journal of Defense Economics & Sustainable Development*, 8 (28), 53-82.

[20.1001.1.25382454.1402.8.28.3.4](https://doi.org/10.25382/454.1402.8.28.3.4)



© The Author(s) 2023. Published by Defense Economics Scientific Association of Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license)



اقتصاد دفاع و توسعه پایدار

شاپا الکترونیکی: ۲۹۸۱-۰۶۸

شاپا چاپی: ۲۴۵۴-۲۵۳۸



الگوی راهبردی دفاع غیرعامل اقتصادی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی

داوود نصرآبادی^۱، سید مهدی موسویان^{۲*}

۱. دکترا، گروه اقتصاد پولی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق، تهران، ایران.

رایانامه: 86economist@gmail.com

۲. دکترا، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز، آذربایجان شرقی، ایران. نویسنده مسئول.

رایانامه: me.mousavian@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

مقاله علمی

تاریخچه مقاله:

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۲/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵

واژگان کلیدی:

دفاع غیرعامل اقتصادی،

اقتصاد مقاومتی، راهبرد،

الگوی SWOT-ANP.

با وقوع انقلاب اسلامی و تعارض در نوع جهان‌بینی و ایدئولوژی آن با نوع تبلیغی در غرب، اقتصاد ایران علاوه بر چالش‌ها و مخاطره‌های متعارف، در فضایی موسوم به جنگ اقتصادی قرار گرفته است. در چنین فضایی نیاز به ارائه راهبردهایی تحت عنوان دفاع غیرعامل اقتصادی متناسب با ظرفیت‌های کشور است. در این تحقیق با تأکید بر روی تحریم در حوزه جنگ اقتصادی، اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک سند بالادستی و چارچوب و استاندارد برای تدوین معیارهای دفاع غیرعامل اقتصادی متناسب با شرایط اقتصاد ایران در نظر گرفته شده است. پس از مصاحبه با نخبگان و صاحب‌نظران در حوزه اقتصاد مقاومتی و دفاع غیرعامل اقتصادی، مؤلفه‌ها و معیارهای الگوی دفاع غیرعامل اقتصادی در قالب جدول SWOT و به‌صورت نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها در حوزه‌های بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری و تداوم فعالیت شناسایی شده و راهبردهای متناسب معرفی شده است. درنهایت نیز با استفاده از روش ANP راهبردهای الگوی مدنظر در قالب روش SWOT-ANP رتبه‌بندی شده است.

بر اساس نتایج، تعداد ۱۵ نقطه قوت، ۲۶ نقطه ضعف، ۹ نقطه فرصت و ۱۰ نقطه تهدید شناسایی شده است. در بعد معیارهای اصلی، معیار ضعف با وزن ۰/۳۱۶ رتبه اول، معیار قوت با وزن ۰/۲۹۸ رتبه دوم، معیار فرصت با وزن ۰/۲۳۷ رتبه سوم و معیار تهدید با وزن ۰/۱۴۹ رتبه چهارم را دارد. همچنین در بین چهار نوع راهبرد شناسایی‌شده، راهبرد WO با وزن ۰/۴ رتبه اول، راهبرد WT با وزن ۰/۲۳ رتبه دوم، راهبرد SO با وزن ۰/۲۰۹ رتبه سوم و راهبرد ST با وزن ۰/۱۵۷ رتبه چهارم را دارد.

استناد به مقاله: نصرآبادی، داوود؛ موسویان، سید مهدی. (۱۴۰۲). الگوی راهبردی دفاع غیرعامل اقتصادی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی، فصلنامه اقتصاد دفاع و

توسعه پایدار، ۲۸(۲)، ۵۳-۸۲.

ناشر: انجمن علمی اقتصاد دفاع ایران

© نویسندگان

20.1001.1.25382454.1402.8.28.3.4



۱. مقدمه

جوامع بشری همواره با مخاطرات مختلفی روبرو بوده‌اند از حوادث طبیعی گرفته تا تنش‌های نظامی. با گسترش جوامع و افزایش ارتباطات اقتصادی بین آن‌ها، به تدریج استفاده از روش‌هایی که اقتصاد کشورهای دشمن را تضعیف کند نیز به شیوه‌های اعمال فشار بر آن‌ها افزوده شد. با وجود اختلاف نظرهای اساسی که اقتصاددانان کلاسیکی و نئوکلاسیکی در رابطه با ابعاد علم اقتصاد دارند، هر دو مکتب بر وضعیت ابزاری یا استراتژیک علم اقتصاد اذعان دارند (مک‌کینلی^۱، ۲۰۰۷). در واقع، امنیت ملی یک کشور نه تنها به وسیله حملات نظامی، بلکه به واسطه جنگ‌افزارهای اقتصادی نیز می‌تواند مورد تهدید قرار گیرد. استفاده از جنگ‌افزارهای اقتصادی می‌تواند در قالب راهبردی‌های مختلف انجام شود. راهبردهایی همچون فقیرسازی، قطع رابطه، تحریم، محدود سازی، خشونت سیاسی، سلطه و نابسامان جلوه نمودن اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشورهای مخالف (طغیانی و همکاران، ۱۳۹۵). شیوه‌های این نوع جنگ‌ها که به جنگ اقتصادی نیز معروف شده‌اند با پیشرفته شدن جوامع در دوران معاصر تغییر یافته‌اند اما در مقابل، روش‌های نیز به منظور دفاع در برابر این حمله‌های اقتصادی اتخاذ شده‌اند تا این حملات را بی‌اثر یا حتی‌الامکان کم‌اثر کنند. بسته به نوع جنگ اقتصادی (تعرفه، تحریم و غیره) و قدرت اثرگذاری کشور متخاصم، کشورهای درگیر نیز متناسب با ظرفیت‌های خود راهکارهایی برای مقابله با آن اتخاذ می‌کنند که می‌توان به اصطلاح آن را دفاع غیرعوامل اقتصادی نامید. پدافند یا دفاع اقتصادی، به نوعی توسعه معنایی مفهوم دفاع است به نحوی که می‌توان آن را به عنوان مجموعه اقدامات غیرنظامی که سبب افزایش توانایی آشکارسازی، ارتقای سطح مصونیت و بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری و تداوم تأمین باکیفیت و پایداری نیازهای اساسی و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدهای اقتصادی دشمن می‌شود، تعریف کرد (خاندوزی و حسین زاده، ۱۳۹۴).

جمهوری اسلامی ایران بنابر شرایط خاص خود در حوزه اقتصاد با مسائل و مفاهیمی مواجه شده است که تاکنون مشابه و ما به‌زای واقعی نداشته است؛ بنابراین خود نیازمند نوآوری، نظریه‌پردازی و الگوسازی در عرصه‌های جدید اقتصادی است (تراب زاده جهرمی و همکاران، ۱۳۹۲). به‌طور کلی در طی چند دهه گذشته و به‌طور خاص به دنبال مناقشات هسته‌ای در سال‌های اخیر، جمهوری اسلامی ایران تحت شدیدترین تحریم‌های اقتصادی از سوی آمریکا و متحدانش قرار گرفته است.

با نگاهی به میزان تورم و رشد اقتصادی و به تبع آن، میزان بیکاری در جامعه، می‌توان گفت تحریم‌ها تأثیر بالقوه زیادی بر روی جامعه دارند و هزینه‌های رفاهی سنگینی را تحمیل می‌کنند؛ بنابراین، اتخاذ راهبردهای متناسب در برابر آن‌ها از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. با در نظر گرفتن شرایط خاص ایران در بین کشورهای که تاکنون مورد تهاجم اقتصادی قرار گرفته‌اند، اقتصاد ایران نیازمند الگوی دفاع مختص خود متناسب با ظرفیت‌هایی که دارد، می‌باشد.

در خصوص ارتباط بین مؤلفه‌های دفاع غیرعوامل اقتصادی با محورهای اقتصاد مقاومتی بایستی در نظر داشت که اقتصاد ایران دارای شرایط خاصی است و نظریه‌های متداول اقتصادی را نمی‌توان بدون توجه به این

¹ McKinley

شرایط استفاده کرد. نظریه‌های متعارف اقتصادی عموماً مربوط به شرایط وجود اطمینان و یا شرایط عدم اطمینان به معنای وجود ریسک هستند اما کشور ما در شرایط تعارض و یا وجود دشمن قرار دارد. از سویی جنبه‌های فرهنگی و عدالتی به‌عنوان بعد معنوی نیز در این اقتصاد به‌طور ویژه مورد توجه قرار دارد. اقتصاد مقاومتی الگویی است که در چنین شرایطی مطرح شده است. دفاع غیرعوامل نیز عموماً در برابر وجود تهدید و در پارادایم نظامی مطرح می‌گردد. دفاع غیرعوامل اقتصادی نگرشی در شرایط تهدید اقتصادی است که در این تحقیق تأکید بر روی تحریم در حوزه جنگ اقتصادی می‌باشد؛ بنابراین، اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک سند بالادستی را می‌توان چارچوب و استانداردی برای تدوین معیارهای دفاع غیرعوامل اقتصادی متناسب با شرایط اقتصاد ایران دانست.

با ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری در ۲۹ بهمن ۱۳۹۲ و مطرح شدن اقتصاد مقاومتی به‌عنوان راه برون‌رفت کشور از مشکلات اقتصادی و اهمیت آن بایستی به دنبال اجرای موفقیت‌آمیز آن و بی‌اثر کردن آینده‌های اقتصادی دشمن بود. مسئله‌ای که اینجا مطرح می‌گردد، راه‌های خنثی کردن اثرات منفی این آینده‌ها و دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی است؛ بنابراین در این پژوهش دفاع غیرعوامل اقتصادی به‌عنوان جزئی مهم در برنامه‌های راهبردی و سیاست‌های کلان کشور در هماهنگی با اقتصاد مقاومتی مورد توجه واقع شده است. در این تحقیق از طریق مصاحبه با نخبگان و صاحب‌نظران در حوزه دفاع غیرعوامل اقتصادی و اقتصاد مقاومتی و تهیه پرسشنامه، تجزیه و تحلیل روی یافته‌ها صورت گرفته و مقوله‌ها و مؤلفه‌های الگوی دفاع غیرعوامل اقتصادی در راستای تحقق اهداف، رویکردها و محورهای اقتصاد مقاومتی در قالب مدل SWOT تعیین شده است. سپس از فرایند تحلیل شبکه‌ای (ANP¹) جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات و طراحی الگو استفاده شده و رتبه‌بندی راهبردها مدنظر قرار گرفته است.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱. مبانی نظری پژوهش

اقتصاد مقاومتی اصطلاح جدیدی در ادبیات اقتصادی ایران است که نخستین بار توسط مقام معظم رهبری در شهریورماه سال ۱۳۸۹ مطرح گردید. رهبر معظم انقلاب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را در قالب ۲۴ بند و با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا در ۲۹ بهمن ۱۳۹۲ ابلاغ کردند. "اقتصاد مقاومتی آن‌چنان اقتصادی است که ظرفیت مقابله با نا اطمینانی‌ها و تکانه‌های داخلی و خارجی، اعم از تکانه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و بلائی طبیعی را در خود ایجاد کرده است و می‌تواند تحت وقوع شرایط دشوار، به روند رشد و شکوفایی خود در حد قابل قبولی ادامه داده و به سرعت به‌سوی تعادل پایدار اولیه بازگردد." بانوجه به تعریف فوق، چگونگی تخصیص بهینه منابع محدود جامعه به‌نحوی که در صورت ورود تکانه کمترین آسیب‌رسانی را در پی داشته باشد در کنار چگونگی ترمیم خسارات تحمیل شده و بازسازی

¹ Analytic Network Process

سریع ظرفیت‌های تولیدی به‌منظور برگشتن به شرایط تعادل اولیه (پایداری اقتصادی)، در مجموع اقتصاد مقاومتی را تشکیل می‌دهند (نوفرستی، ۱۳۹۵).

جنگ اقتصادی، یکی از عناصر و ابزارهای اصلی جنگ نرم است که وظیفه دفاع غیرعامل در این حوزه، برنامه‌ریزی و اقدام برای مقابله با این شیوه‌های جدید است (فردرو، ۱۳۹۰: ۳۵). این است که جنگ اقتصادی با تحولات مفهومی که به خود گرفته یکی از مواردی است که مسائل و موضوعات فراوانی در دنیای امروز در خود جای داده است (اسفندیاری صفا و دهقان، ۱۳۹۵). اقتصاد مقاومتی صرفاً مربوط به تحریم نیست (سیفلو، ۱۳۹۳)؛ بنابراین، مباحث مربوط به اقتصاد مقاومتی منحصر به تهدیدات اقتصادی نیست و در آن به توانمندسازی اقتصاد نیز توجه شده است درحالی‌که در پدافند غیرعامل اقتصادی، تهدیدات اقتصادی به‌طور عام و جنگ اقتصادی به‌طور خاص مطرح است. در بند ۲۲ ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری در بهمن‌ماه ۱۳۹۲ نیز به نقش دفاع اقتصادی در این حوزه پرداخته شده است: "دولت مکلف است برای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با هماهنگ‌سازی و بسیج پویای همه امکانات کشور، اقدامات زیر را معمول دارد:

- شناسایی و به‌کارگیری ظرفیت‌های علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان آفندی و اقدامات مناسب.
- رصد برنامه‌های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن.
- مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق تهیه طرح‌های واکنش هوشمند، فعال، سریع و به‌هنگام در برابر مخاطرات و اختلال‌های داخلی و خارجی.

دفاع غیرعامل اقتصادی دارای مؤلفه‌هایی است. پدافند یا دفاع اقتصادی، به‌نوعی توسعه معنایی مفهوم دفاع محسوب می‌شود. از منظر سند پدافند اقتصادی کشور، پدافند اقتصادی را می‌توان به‌عنوان مجموعه اقدامات غیرنظامی در نظر گرفت که موجب افزایش توانایی آشکارسازی و ارتقای سطح مصونیت و بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری و تداوم تأمین باکیفیت و پایداری نیازهای اساسی و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدهای اقتصادی دشمن می‌شود. در حوزه دفاع غیرعامل اقتصادی نیز همانند سایر حوزه‌های دفاع غیرعامل، متناسب با نوع مخاطره و تهدید نوع راهبرد نیز ممکن است متفاوت باشد. در این پژوهش تأکید روی جنگ اقتصادی و تحریم‌های اقتصادی است؛ بنابراین مؤلفه‌ها و شاخص‌های دفاع غیرعامل اقتصادی نیز متناسب با این نوع مخاطره که بحث مبتلا به اقتصاد ایران است، در نظر گرفته شده‌اند. باتوجه‌به موارد ذکر شده و تعریف پدافند غیرعامل اقتصادی، مؤلفه‌های مهم پدافند غیرعامل اقتصادی در راستای اهداف، محورها و رویکردهای اقتصاد مقاومتی را می‌توان افزایش سطح بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی^۱ و تداوم فعالیت (شامل تداوم فعالیت‌های ضروری و تسهیل مدیریت بحران) دانست. در ادامه به بررسی هر یک از این حوزه‌ها به تفکیک پرداخته شده است:

^۱ vulnerability

۲-۱-۱. بازدارندگی

تعاریف مختلفی از بازدارندگی در منابع مختلف ارائه شده است. به تعبیری بازدارندگی عبارت است از متقاعد کردن حریف به اینکه هزینه‌ها و خطرات ناشی از خط مشی اتخاذی او، نسبت به منافع می‌شود، بیشتر است (بختیاری، ۱۳۹۵). شرایط و فرضیه‌های متعددی در تحقق بازدارندگی مؤثر است. در این بین، فرض وجود حداقل عقلانیت در اندیشه و رفتار رقیب، مفروض اساسی در به‌کارگیری راهبرد بازدارندگی است. اگرچه بازدارندگی یادآور روابط دو ابرقدرت دوره جنگ سرد است، اما بایستی در نظر داشت که بازدارندگی اختصاص به دوره مذکور نداشته و روابط میان بسیاری از کشورها که در عرصه روابط بین‌الملل، منافع متضاد یا متفاوت دارند را در بر می‌گیرد (دانش آشتیانی و رستمی، ۱۳۹۵).

در مدل «انتظارات متضاد»^۱ که به‌وسیله دانیل درزنر^۲ (۱۹۹۹) مطرح گردیده است، دو پیش‌بینی در رابطه با الگوی تلاش برای تحریم ارائه شده است: اول، در هیچ تحریمی هزینه ایجاد شده برای کشور اعمال‌کننده نباید بیشتر از هزینه تحمیلی به کشور هدف باشد؛ دوم، انتظارات متناقض باید رابطه‌ای مستقیمی با هزینه‌های کشور اعمال‌کننده داشته باشد و درعین‌حال با هزینه کشور هدف نیز رابطه‌ای معکوس داشته باشد. شواهد و بررسی‌های آماری نیز هر دوی این گفته‌ها را تأیید کرده‌اند (ولیزاده، ۱۳۹۰).

قدرت ملی عاملی تعیین‌کننده در بازدارندگی است. قدرت ملی عنصری کلیدی در توانایی به‌عنوان شرط لازم برای بازدارندگی مؤثر است. به تعبیری قدرت ملی جمع توانایی‌های بالقوه و بالفعل هر ملت ناشی از منابع سیاسی، جغرافیایی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، علمی و فناوری آن است. رهبری و اراده ملی از عوامل متحد کننده قدرت ملی هستند. عوامل مختلفی بر قدرت ملی یک کشور مؤثر هستند که می‌توان آن‌ها را ترکیبی از توانایی‌های به‌دست‌آمده از منابع داخلی و فعالیت‌های بین‌المللی به‌حساب آورد. این عوامل شامل عوامل طبیعی، عوامل اجتماعی - روانی، عوامل اقتصادی و نظامی و روابط بین‌الملل است (دری نوگورانی، ۱۳۷۹). سمیعی نسب (۱۳۹۳) متغیرهای اثرگذار در هزینه‌های تحریم را در دو دسته عوامل سیاسی و عوامل اقتصادی تقسیم‌بندی نموده است. عوامل سیاسی شامل: سیاست‌های همراه که توسط کشور یا ائتلاف وضع‌کننده تحریم وضع می‌شود، مانند: مانور مخفی، فعالیت‌های شبه‌نظامی و فعالیت‌های نظامی منظم و آشکار؛ مشارکت جهانی در تحریم؛ عضویت در نهادها و سازمان‌های جهانی؛ ارائه کمک‌های بین‌المللی به کشور تحریم شده به معنای وجود کمک؛ وجود ارتباط بین دو کشور پیش از تحریم و ساختار سیاسی کشور تحریم شده. عوامل اقتصادی شامل: هزینه‌های تحمیلی بر کشور هدف بر اساس قیمت مطلق دلار آمریکا و نیز نسبت به تولید ناخالص داخلی (GDP^۳) و درآمد سرانه؛ ارتباط تجاری بین دو کشور، اندازه‌گیری حجم تجاری و درصد روابط تجاری دو کشور به کل تجارت خارجی کشور تحریم شده؛ اندازه نسبی اقتصاد دو کشور که نسبت GDP کشور وضع‌کننده به تحریم شده است؛ سلامت اقتصادی و ثبات سیاسی کشور تحریم شده؛ کشور

1 Conflict expectations

2 Drezner

3 Gross Domestic Product

بی‌ثبات یا کشور قوی؛ نوع تحریم وضع شده: تحریم صادرات، تحریم واردات یا تحریم مالی و هزینه خالص تحریم برای کشور وضع کننده.

متناسب با تغییرات گوناگون در عصر کنونی و نیز مطابق با شرایط و اوضاع و احوال داخلی کشور، کشورهای پشتیبان، حضور در پیمان‌های امنیتی و گروهی و... در توان بازدارندگی نقش بسزایی دارند. از طرفی، آگاهی و شناخت لازم از نقاط ضعف و توان ایجاد اختلال در تفکر و برنامه‌های دشمن نقش مهمی دارند (دانش آشتیانی و رستمی، ۱۳۹۵).

علاوه بر مسائل اقتصادی، ملاحظات سیاسی و اجتماعی نیز می‌توانند در بازدارندگی اقتصادی نقش داشته باشند. روابط راهبردی بین‌المللی می‌تواند با وساطت طرف‌های ثالث، اعمال تحریم را با هزینه‌های سیاسی (تنش در روابط با کشورهای ثالث) روبرو سازد. انسجام سیاسی و مقبولیت دولت و حکومت نیز می‌تواند در بازدارندگی نقش ایفا کند چراکه عموماً با بهانه‌هایی بعضاً همچون پشتیبانی از مردم طرف تحریم صورت می‌گیرد و انسجام اجتماعی و مقبولیت دولت هم می‌تواند فلسفه تحریم‌ها را زیر سؤال ببرد و هم اثربخشی آنان را کم‌اثر کند.

۲-۱-۲. کاهش آسیب‌پذیری

کاهش آسیب‌پذیری به‌نوعی موجب کاهش فرصت‌های اثرگذاری اقدامات دشمن در جنگ اقتصادی همچون تحریم اقتصادی می‌شود. یکی از مؤلفه‌هایی که می‌تواند منجر به کاهش آسیب‌پذیری گردد و در سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. سیاست تنوع‌بخشی است. هم تنوع ترکیب محصولات و هم طرف‌های تجاری مهم است. تنوع‌بخشی سبب می‌شود تا در صورت تحریم در یک حوزه درآمدی، با کسب درآمد از سایر حوزه‌ها، آسیب کمتری به اقتصاد کشور وارد شود. یک مثال آشنا در این حوزه بحث اقتصاد تک‌محصولی و وابستگی به درآمد نفت است. این وابستگی سبب شده تا با تحریم خرید نفت از ایران، درآمدهای صادراتی کاهش زیادی داشته باشد و آسیب‌هایی را متوجه کشور کند. در مقابل با تنوع بیشتر محصولات صادراتی و کشورهای طرف تجارت می‌توان ریسک تحریم و اثرات آن را کاهش داد. به‌نحوی که با صادرات به کشورهای بیشتر به‌ویژه کشورهایی که مشارکت راهبردی با کشور دارند و همچنین واردات از مبادی ورودی بیشتر اثرگذاری تحریم و ریسک آسیب‌های تحریم را کاهش داد. خودکفایی در تولید محصولات راهبردی نیز می‌تواند به کاهش آسیب‌پذیری کمک کند چراکه هر چه وابستگی به واردات این محصولات بیشتر باشد در صورت تحریم اقتصاد آسیب بیشتری می‌بیند. انضباط مالی دولت و معیارهایی همچون درآمدهای مالیاتی باثبات، سیستم مالیاتی کارا و منعطف می‌تواند به برنامه‌ریزی بهتر و کنترل کسری بودجه کمک کند چراکه کسری بودجه مستمر دولت می‌تواند زمینه آسیب‌پذیری را بیشتر کند. در حوزه مالی نیز، کارکرد نظام بانکی و همسویی بازار سرمایه و سیاست‌های مالی در مدیریت نقدینگی و در خدمت تولید می‌تواند کمک مؤثری در کاهش آسیب‌پذیری باشد.

۲-۱-۳. تداوم فعالیت

در حوزه تداوم فعالیت، بحث تسهیل مدیریت بحران، تداوم فعالیت و در حد ایدئال آن برگشت به حالت قبل مطرح می‌شود. در این حوزه انعطاف‌پذیری بازار عنصر مهمی است. هرچند کنترل بیشتر دولت بر اقتصاد تأثیر تحریم را ممکن است کاهش دهد. اما معمولاً بازار رقابتی سریع‌تر با شرایط جدید سازگار می‌شود. تداوم فعالیت در اینجا را می‌توان مفهومی نزدیک به تاب‌آوری تعریف نمود. سابقه بحث‌های مربوط به تاب‌آوری بیشتر به علوم مهندسی برمی‌گردد و تنش‌ها با تعبیری همچون تکانه، شوک یا حتی بحران توصیف شده‌اند. در سیستم‌های پیچیده همچون اقتصاد ملی یا اقتصاد جهانی، برخلاف سازه‌ها، تاب‌آوری را نه به صورت بازگشت دقیق به وضعیت پیشین خود، بلکه برعکس، با سازگار شدن به معنای یافتن راه‌های مختلف به منظور اجرای کارکردهای اصلی خود نشان می‌دهند. از منظر یک سیستم، تاب‌آوری را می‌توان «حفظ کارکرد سیستم در هنگامه آشفتگی» تعریف کرد (غیاثوند و همکاران، ۱۳۹۳). توانایی جذب زیان یا بهبود سریع هم می‌تواند عملکردی (ذاتی) باشد و هم اکتسابی (تطبیقی). تاب‌آوری ذاتی اشاره به توانایی معمولی مقابله با بحران‌ها دارد (به‌عنوان مثال: موجودی انبار، توانایی بنگاه‌های فردی که نهاده‌های دیگر را جایگزین کنند و یا توانایی بازارها در تخصیص مجدد منابع در واکنش به علایم قیمتی). تاب‌آوری تطبیقی نیز اشاره به توانایی حفظ وظیفه در شرایط بحرانی از طریق کسب مهارت و تلاش زیاد دارد (به‌عنوان مثال: افزایش دادن امکانات جانشینی نهاده در عملیات تجاری یا تقویت کردن بازار به‌وسیله ارائه دادن اطلاعات با هدف هماهنگ کردن عرضه‌کنندگان و مشتریان)؛ بنابراین تاب‌آوری تطبیقی از یادگیری پس از حادثه تبعیت می‌کند و مرز کارایی تولید را به سمت بالا منتقل می‌کند، هرچند لزوماً نیازی به سرمایه‌گذاری ندارد (غیاثوند و عبدالشاه، ۱۳۹۴).

۲-۲. پیشینه پژوهش

علی‌رغم اهمیت مقوله دفاع غیرعامل اقتصادی در چارچوب اقتصاد مقاومتی، مطالعات کمی به بررسی هم‌زمان دفاع غیرعامل اقتصادی و اقتصاد مقاومتی پرداخته‌اند و در حوزه دفاع غیرعامل، عمده تمرکز بر روی کلیت دفاع غیرعامل و نه دفاع غیرعامل اقتصادی بوده است. در ادامه تعدادی از این مطالعات که مرتبط با موضوع مورد بررسی می‌باشند به‌طور مختصر بیان شده است و پس از آن جمع‌بندی از این مطالعات و ارتباط این تحقیق با تحقیقات پیشین به‌ویژه مطالعات صورت‌گرفته در ایران ارائه شده است. مارکزی و همکاران^۱ (۲۰۱۸) تشابهات و تفاوت‌های تاب‌آوری و پایداری را در مدیریت محیط‌زیست مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها برای بررسی شباهت‌ها، تفاوت‌ها و چارچوب مدیریت فعلی برای افزایش پایداری و انعطاف‌پذیری، ادبیات موضوع را با تمرکز بر استفاده یکپارچه از پایداری و انعطاف‌پذیری در زمینه مدیریت محیط‌زیست بررسی نمودند. آن‌ها سه چارچوب کلی مدیریتی برای سازمان‌دهی تاب‌آوری و پایداری شامل: (۱) تاب‌آوری به‌عنوان بخشی از پایداری (۲) پایداری به‌عنوان بخشی از تاب‌آوری و (۳) تاب‌آوری و پایداری به‌عنوان

^۱ Marchese & et al.

اهدافی جداگانه؛ را شناسایی نمودند. آن‌ها در مطالعه خود بیان می‌کنند که پیاده‌سازی این چارچوب‌ها، اهداف مشترک منفعت بخشی به مردم و محیط‌زیست تحت شرایط عادی و غیرمعمول را دارند.

هودک و همکاران^۱ (۲۰۱۸) ظرفیت تاب‌آوری و آسیب‌پذیری را در ۷۹ ناحیه کشور اسلواکی به‌عنوان کشوری کوچک و باز مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها برای این منظور، شاخص ظرفیت تاب‌آوری (RCI²) را با توجه به آسیب‌پذیری آن‌ها در دوره نخست افزایش بیکاری (۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲) و همچنین دوره دوم آسیب‌پذیری از شوک اقتصادی (۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴) بررسی نمودند. نتایج آن‌ها تفاوت مناطق شرقی و غربی در ظرفیت تاب‌آوری را نشان می‌داد. همچنین بخش‌های شهری و صادرات محور با RCI بالا، در معرض آسیب‌پذیری بیشتری در مقایسه با مناطق روستایی بوده‌اند. به‌عبارت‌دیگر، مناطق کوچک و دور، واکنش کمتر و یا با تأخیر به شوک داشته‌اند.

نینبرگ و هودینات^۳ (۲۰۱۹) تأثیر برنامه امنیت تولیدی اتیوپی را بر تأثیرات بلندمدت خشک‌سالی بر امنیت غذایی خانوار، بررسی نمودند. بر اساس نتایج آن‌ها، شوک‌های خشک‌سالی، تعداد ماه‌هایی را که خانوار برای امنیت غذایی خود در نظر می‌گیرد را کاهش می‌دهد و این تأثیر تا بیش از چهار سال پس از پایان خشک‌سالی ادامه می‌یابد. همچنین، پرداخت‌های برنامه امنیت تولیدی اتیوپی، تأثیر اولیه خشک‌سالی را تا ۵۷ درصد کاهش داده است و تأثیر نامطلوب آن‌ها بر امنیت غذایی را طی دو سال برطرف کرده است. به این ترتیب، این برنامه تاب‌آوری افراد ذی‌نفع خود را در برابر شوک‌های نامطلوب تقویت کرده است.

احمدیار و باقری (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان اقتصاد مقاومتی و پدافند غیرعامل، اولویت اهمیت مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی (تولید، توزیع و مصرف) از منظر پدافند غیرعامل بررسی نمودند. نتایج آن‌ها حاکی از آن بود که عامل تولید مهم‌ترین مؤلفه اقتصاد مقاومتی پدافند غیرعامل است. آن‌ها همچنین اهمیت زیر شاخص‌های مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی را نیز رتبه‌بندی نمودند که مطابق نتایج آن‌ها، در عامل تولید، سرمایه‌گذاری در تولید، در عامل توزیع، عدالت و در عامل مصرف، فرهنگ‌سازی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در پدافند غیرعامل است.

صادقی شاهدانی و نصرآبادی (۱۳۹۵) ثبات بانکداری اسلامی در برابر بحران مالی را با مطالعه موردی بحران مالی سال ۲۰۰۸ مورد تحقیق قرار دادند. آن‌ها، دارایی‌های مالی بدون پشتوانه واقعی و گسترش آن‌ها توسط نهادهای مالی را از مهم‌ترین عوامل بحران مالی سال ۲۰۰۸ معرفی کردند و ویژگی‌های ذاتی بانکداری اسلامی در جلوگیری از این نوع بحران‌ها را، ارتباط تنگاتنگ با بخش حقیقی اقتصاد، ایجاد شفافیت مالی، وجود نظارت و کنترل، توزیع ریسک، تأثیرپذیری حداقل از شوک‌ها، رعایت استانداردهای وام‌دهی، عدم سرمایه‌گذاری در دارایی‌های بدون پشتوانه و التزام به برآورد دقیق ریسک فعالیت‌ها برشمردند.

سلیمانی و پیغامی (۱۳۹۵) مؤلفه‌های الگوی مقاومت‌سازی اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران را با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و روش داده‌بنیاد بررسی نمودند. آن‌ها در این زمینه هفت مؤلفه اصلی

¹ Hudec & et al.

² Resilience Capacity Index

³ Knippenberg & Hoddinott

شامل: توسعه و پیشرفت اقتصادی، زیرساخت‌های فیزیکی و اطلاعاتی - ارتباطی، مباحث جمعیتی، مسائل و امور فرهنگی/ اجتماعی، توسعه و تحول آموزش، علم و فناوری، مباحث اجرایی - تقنینی، منابع طبیعی، زیست‌محیطی و اکولوژیکی را شناسایی نمودند.

امیری طهرانی زاده (۱۳۹۴) به بررسی مبانی سیستمی اقتصاد مقاومتی پرداخته است و بیان می‌کند که نظریه بازار اسلامی و مفاهیم حق معاش و عدالت تولیدی در قلمرو اقتصاد اسلامی می‌تواند مبانی سیستمی اقتصاد مقاومتی را توضیح دهد.

فرتوک زاده و همکاران (۱۳۹۳) نقش صنعت دفاعی در گذار به اقتصاد مقاومتی را بررسی نمودند. نتایج آن‌ها حاکی از این بود که صنعت دفاعی از طریق سرریزهای فناورانه، ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری، کمک به تحریک تقاضای دانش‌بنیان و کمک به نوآوری نهادی برای رفع گلوگاه‌های نهادی مانع پیشرفت کسب‌وکارهای راهبردی در سطح ملی، منجر به ارتقای قابلیت‌های کشور در گذار به اقتصاد مقاومتی خواهد شد.

چهرمی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، با بهره‌گیری از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، مدل مفهومی سخنان ایشان پیرامون ابعاد، ویژگی‌ها و الزامات اقتصاد مقاومتی را استخراج نمودند.

حسینی (۱۳۹۲) در مطالعه خود، ابتدا شرایط اقتصاد جهانی و روند آن را بررسی نموده است و پس از بررسی ابعاد و سازوکارهای اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی در حوزه‌های سیاست مالی، ارزی و پولی اقتصاد ایران، وضعیت بخش‌های واقعی، بازار سرمایه و شاخص‌های تورم و بیکاری را تحلیل کرده است. وی در این مطالعه تحریم را به‌عنوان جنگ اقتصادی دشمن نام برده و اقداماتی همچون تقویت دیپلماسی سیاسی، حقوقی و اقتصادی در مقابل تحریم‌ها، پشتیبانی هدفمند از بنگاه‌های کوچک و متوسط، مقابله با انتظارات تورمی، اقدامات جبرانی برای افسار آسب‌پذیر، تداوم اصلاحات ساختاری همچون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و طرح تحول اقتصادی، دنبال نمودن سیاست‌های اقتصادی با هدف کاهش عدم تعادل‌ها و ایجاد ثبات به‌ویژه در حوزه‌های ارزی، مالی دولت، بازار پول و بازار کالاهای اساسی و همچنین افزایش شفافیت و اشراف اطلاعات اقتصادی و حذف رانت را برای مقابله با تحریم‌های اقتصادی پیشنهاد کرده است.

با بررسی سوابق پژوهش در بخش مطالعات داخلی و خارجی می‌توان گفت که بخش بزرگی از مطالعات به‌عمل‌آمده در حوزه دفاع غیرعامل اقتصادی و اقتصاد مقاومتی به موضوعاتی همچون آسیب‌پذیری اقتصادی، تکانه‌های اقتصادی، تاب‌آوری اقتصادی، بی‌ثباتی اقتصادی و دیگر مفاهیم مشابه پرداخته‌اند.

عمده مطالعات خارجی مرتبط با اقتصاد مقاومتی بر روی موضوع «شوکه‌های اقتصادی» و چگونگی مقابله با چنین شوکه‌هایی متمرکز بوده‌اند. در این مطالعات، اقتصاد مقاومتی از منظر توانایی مقابله یا تعدیل اثرات منفی شوکه‌های اقتصادی خارجی بررسی شده است. این جهت‌گیری به‌خصوص در کشورهای کوچکی که به شدت وابسته به صادرات و منابع مالی خارجی هستند، جذاب بوده است. در این رابطه اصطلاح «پارادوکس

سنگاپوری^۱ نیز معروف شده است که به این موضوع اشاره دارد که این کشور با وجود رشد اقتصادی و سرانه ملی بالا، به شدت متأثر از مضرات شوک‌های خارجی است و در مقابل تأثیرات اقتصاد جهانی بسیار آسیب‌پذیر نشان داده است. عمده نا اطمینانی که کشورها با آن روبرو بوده‌اند، به دلیل وقوع شوک‌ها و تغییرات ناگهانی در بازارهای جهانی رخ داده است، از این رو در مطالعات صورت‌گرفته بر کاهش «آسیب‌پذیری» اقتصاد کشورها و قدرت «بازیابی» آن‌ها تأکید شده است؛ اما اگر شرایط وجود تعارض را در مباحث اقتصاد مقاومتی در نظر بگیریم، مسائلی همچون مقابله با تحریم‌های گسترده بین‌المللی و یا محدودیت‌های دائمی پیش می‌آید؛ این تجربه در کشورهایی معدودی مانند کره شمالی و ایران (به‌خصوص از سال ۱۳۸۹) مصداق دارد. به‌عنوان مثال: تحریم بانک مرکزی یک کشور یا بلوکه شدن اموال و دارایی‌هایش یا عدم همکاری شرکت‌های بین‌المللی بیمه‌ای. این موضوع الزامات خاص خود را می‌طلبد و نیازمند نوآوری، نظریه‌پردازی و الگوسازی در این عرصه‌های جدید اقتصادی است.

در جمع‌بندی مطالعات صورت‌گرفته می‌توان جای خالی تحقیقی به‌منظور ارائه الگویی جدید برای دفاع غیرعوامل اقتصادی در جهت تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی را متذکر شد. این تحقیق به دنبال پرکردن این شکاف می‌باشد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

روش‌های جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش شامل مطالعات کتابخانه‌ای و همچنین استفاده از ابزار پرسشنامه است. جامعه آماری شامل نخبگان و صاحب‌نظران در زمینه دفاع غیرعوامل اقتصادی و اقتصاد مقاومتی است و حجم آن نامشخص است زیرا تعداد صاحب‌نظران این حوزه نامشخص بوده است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش به صورتی بود که سعی شد تا با حداکثر افراد در دسترس و موجود مصاحبه انجام گردد و پرسشنامه توسط ایشان تکمیل گردد. همچنین از شاخص نسبت سازگاری حاصل از ماتریس مقایسات زوجی یا CR نیز جهت اعتبارسنجی الگو استفاده شده است.

در این تحقیق پس از مطالعه تجارب تاریخی و معاصر سایر کشورها در حوزه دفاع غیرعوامل اقتصادی و اقتصاد مقاومتی، از طریق مصاحبه با نخبگان و صاحب‌نظران در حوزه دفاع غیرعوامل اقتصادی و اقتصاد مقاومتی و تهیه پرسش‌نامه، تجزیه و تحلیل روی یافته‌ها صورت گرفته است. با مشخص شدن تهدیدات و آینده‌های اقتصاد ایران، مؤلفه‌ها و معیارهای دفاع غیرعوامل اقتصادی در قالب نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها و راهبردهای آن در راستای تحقق اهداف، رویکردها و محورهای اقتصاد مقاومتی در جهت تکمیل الگو مشخص شده و در نهایت نیز با تدوین و تکمیل پرسش‌نامه و استفاده از روش ANP^۲ به تجزیه و تحلیل و رتبه‌بندی راهبردهای الگوی مدنظر پرداخته شده است.

فرایند تحلیل شبکه (ANP) یک روش تصمیم‌گیری چندمعیاره است که برای تعیین وزن معیارها و انتخاب گزینه بهینه براساس مقایسه‌های زوجی استفاده می‌شود. در این روش روابط درونی میان عناصر تصمیم‌گیری

¹ Singapore Paradox

² Analytic Network Process

نیز در نظر گرفته می‌شود. این روش شباهت زیادی به روش فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP¹) دارد. پس از آنکه توماس ساعتی^۲ روش AHP را در سال ۱۹۷۵ معرفی نمود خیلی زود این روش با اقبال مجامع آکادمیک مواجه شد. از آنجا که در روش AHP روابط درونی عناصر در نظر گرفته نمی‌شد روش تحلیل شبکه‌ای به وسیله ساعتی و تاکی زاوا^۳ در سال ۱۹۸۶ پیشنهاد شد. روش ANP تعمیم روش AHP است. هدف هر دو روش تعیین وزن عناصر تصمیم است و از هر دو روش از مقایسه زوجی استفاده می‌شود.

در مواردی که سطوح پایینی روی سطوح بالایی اثرگذارند و با عناصری که در یک سطح قرار دارند مستقل از هم نیستند، دیگر نمی‌توان از روش AHP استفاده کرد. روش ANP روابط پیچیده میان سطوح مختلف تصمیم را به صورت شبکه‌ای نشان می‌دهد و تعاملات و بازخوردهای میان معیارها و آلترناتیوها را در نظر می‌گیرد. اوزان ناشی از روابط علی میان عناصر در کنار اوزان درونی هر خوشه تشکیل یک سوپرماتریس اولیه را می‌دهد. این سوپرماتریس به روش خطی موزون شده و در نهایت اوزان نهایی عناصر با استفاده از شکل حدی سوپرماتریس موزن بدست خواهد آمد.

در این تحقیق از دو پرسشنامه استفاده شده است. ابزار پرسش‌نامه SWOT به‌عنوان بخش اول کار و تعیین معیارها (نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها) به تفکیک حوزه‌های بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری و تداوم فعالیت در الگوی SWOT-ANP استفاده شده و سپس با انجام مقایسات زوجی از طریق پرسش‌نامه ANP، الگوی SWOT-ANP تکمیل شده است تا راهبرها نیز رتبه‌بندی شوند.

بنابراین مراحل تحقیق حاضر را می‌توان به‌صورت زیر خلاصه نمود:

(۱) بررسی مؤلفه‌های دفاع غیرعامل اقتصادی در راستای اقتصاد مقاومتی در قالب تشکیل ماتریس

SWOT به تفکیک حوزه‌های بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری و تداوم فعالیت (بر مبنای نظر

نخبگان) و به‌دست‌آوردن راهبردها؛

(۲) تکمیل الگوی ANP بر مبنای مرحله یک؛

(۳) تجزیه و تحلیل نتایج و رتبه‌بندی راهبردهای دفاع غیرعامل اقتصادی در دستیابی به اهداف، رویکردها

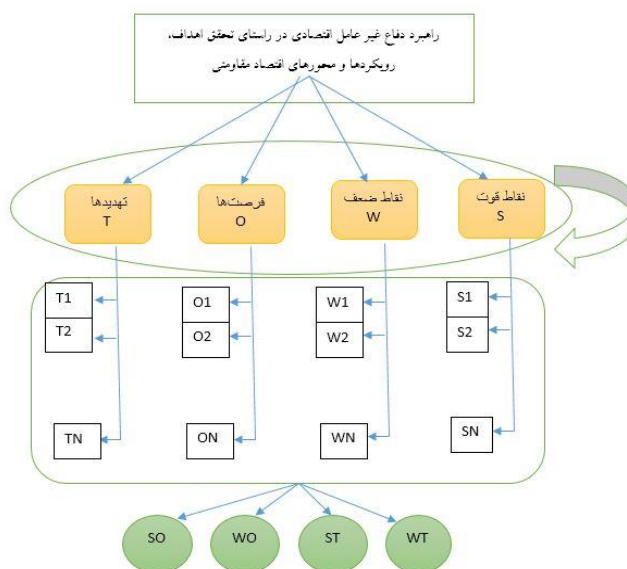
و محورهای اقتصاد مقاومتی.

شکل شماره (۱) فرایند روش ANP به‌منظور رتبه‌بندی راهبرها را ترسیم می‌کند.

¹ Analytic Hierarchy Process

² Thomas L. Saaty

³ Takizawa



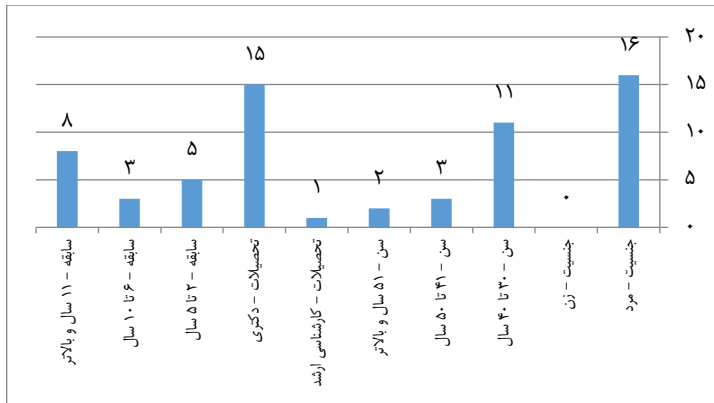
شکل شماره (۱) الگوی ANP برای انتخاب راهبرد دفاع غیرعامل اقتصادی در راستای تحقق اهداف، رویکردها و محورهای اقتصاد مقاومتی
منبع: نگارندگان پژوهش

در شکل شماره (۱)، S، نقاط قوت، W، نقاط ضعف، O، فرصت‌ها و T، تهدیدات اقتصاد ایران مرتبط با دفاع غیرعامل اقتصادی در راستای اهداف، رویکردها و محورهای اقتصاد مقاومتی هستند که بر اساس نظر نخبگان و تکمیل پرسشنامه، تعیین شده است و بر اساس آن‌ها راهبردها استخراج و در نهایت بر اساس الگوی ANP (با تکمیل پرسشنامه مقایسات زوجی) راهبرد بهینه انتخاب می‌شود.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

در این پژوهش ابتدا با مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۹ نفر از صاحب‌نظران در زمینه دفاع غیرعامل اقتصادی و اقتصاد مقاومتی که همگی از اساتید و اعضا هیئت‌علمی دانشگاه‌های کشور بودند، نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید در جهت تدوین راهبردهای دفاع غیرعامل اقتصادی در راستای اقتصاد مقاومتی شناسایی شدند سپس در چارچوب پرسشنامه در اختیار خبرگان قرار داده شد تا بر اساس طیف ۱ تا ۵ لیکرت (۱=اهمیت خیلی کم، ۲=اهمیت کم، ۳=اهمیت متوسط، ۴=اهمیت زیاد، ۵=اهمیت خیلی زیاد) به هر یک از شاخص‌ها امتیاز دهند. سپس میانگین امتیازات هر شاخص محاسبه شد به نحوی که چنانچه میانگین امتیاز شاخصی از عدد ۳ کمتر باشد حذف می‌گردد. پرسشنامه مذکور توسط ۱۶ نفر از صاحب‌نظران در حوزه اقتصاد مقاومتی و دفاع غیرعامل اقتصادی تکمیل گردید که در ادامه نتایج آن ذکر شده است. پس از تعیین معیارهای الگوی SWOT-ANP، با انجام مقایسات زوجی از طریق پرسشنامه، الگوی SWOT-ANP تکمیل شده است تا راهبردها نیز رتبه‌بندی شوند.

روایی پرسشنامه‌ها با استفاده از نظرات اساتید و خبرگان به دست آمد. بدین منظور، ابتدا نمونه اولیه از پرسشنامه‌ها در اختیار آن‌ها قرار گرفت و پس از جمع‌بندی نظرات، پرسشنامه‌ها اصلاح و مجدداً در اختیار آن‌ها قرار گرفت. پایایی پرسشنامه سوات (SWOT) از طریق آلفای کرونباخ بررسی شد. مطابق نتایج، مقدار ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۳ به دست آمد که حاکی از پایایی آن است. در پرسشنامه الگوی ANP نیز از نرخ ناسازگاری برای بررسی پایایی استفاده می‌شود و در مطالعات باید کمتر از ۰/۱ باشد. در نمودار شماره (۱) آمار جمعیت‌شناختی مربوط به تکمیل‌کنندگان پرسشنامه SWOT که همگی از خبرگان اقتصادی در حوزه اقتصاد مقاومتی و دفاع غیرعامل اقتصادی به تعداد ۱۶ نفر هستند، ارائه شده است.



اطلاعات جمعیت‌شناختی خبرگان (تعداد) نمودار شماره (۱)

منبع: یافته‌های پژوهش

در جدول شماره (۱) نتایج ارزیابی عوامل احصا شده بر اساس میانگین امتیاز داده شده توسط صاحب‌نظران آورده شده است. نتایج نشان از تأیید تمامی شاخص‌های پژوهش با کسب میانگین امتیاز بالاتر از ۳ را دارد. با تأیید مؤلفه‌های دفاع غیرعامل اقتصادی (به تفکیک حوزه‌های بازاریابی، کاهش آسیب‌پذیری و تداوم فعالیت) در راستای اقتصاد مقاومتی، می‌توان جدول SWOT را متشکل از نقاط قوت (S)، نقاط ضعف (W)، نقاط فرصت (O) و نقاط تهدید (T) تشکیل داد، در جدول شماره (۱) عوامل SWOT و کد مربوط به آن‌ها نمایش داده شده است.

جدول شماره (۱) عوامل SWOT

نقاط قوت (S)		نقاط ضعف (W)	
S _۱	بازدارندگی	W _۱	بازدارندگی
S _{۱,۱}	موقعیت ژئوپلیتیک محل عبور نفت و شاهراه شرق به غرب	W _{۱,۱}	عدم وجود سیاست‌گذاری راهبردی در تعامل با کشورها
S _{۱,۲}	دسترسی به آب‌های آزاد	W _{۱,۲}	عدم تعامل برتر ساز با رقبای منطقه‌ای
S _{۱,۳}	همسایگی با ۱۵ کشور	W _{۱,۳}	ارتباط ضعیف با کشورهای صاحب علم و فناوری
S _۲	کاهش آسیب‌پذیری	W _۲	کاهش آسیب‌پذیری

افزایش بدهی‌های دولت	W _{2,1}	تنوع در فناوری‌های مورد استفاده	S _{2,1}
افزایش نقدینگی بدون تناسب با تولید	W _{2,2}	مناسب بودن اقلیم برای فعالیت اقتصادی در عین تنوع	S _{2,2}
تنوع کم در روابط تجاری	W _{2,3}	بخش کشاورزی قدرتمند	S _{2,3}
تنوع پایین محصولات صادراتی	W _{2,4}	تداوم فعالیت	S ₃
وابستگی به دلار در مبادلات بین‌المللی	W _{2,5}	نیروی انسانی جوان و متخصص	S _{3,1}
وابستگی تولید به واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای از مبادی ورودی محدود (تمرکز مبدأ واردات)	W _{2,6}	امنیت عمومی بالا	S _{3,2}
وابستگی به نهادهای مالی بین‌المللی نظام سلطه در مبادلات بین‌المللی	W _{2,7}	زیرساخت در حوزه آموزش	S _{3,3}
بخش غیررسمی گسترده	W _{2,8}	زیرساخت در حوزه بهداشت	S _{3,4}
بالا بودن مطالبات معوق بانکی	W _{2,9}	زیرساخت گسترده در حوزه حمل‌ونقل زمینی	S _{3,5}
فرار مالیاتی	W _{2,10}	زیرساخت در حوزه حمل‌ونقل دریایی	S _{3,6}
اتکای برنامه‌های توسعه به نفت	W _{2,11}	زیرساخت دسترسی نزدیک و کم‌هزینه به حامل‌های انرژی	S _{3,7}
سرمایه‌گذاری کلان در فعالیت‌های غیرمولد و غیر صادراتی	W _{2,12}	وجود فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با تخصص‌های مختلف	S _{3,8}
اختلال در قیمت‌های نسبی	W _{2,13}	وجود فرهنگ جهادی در بین مردم	S _{3,9}
وابستگی بودجه و منابع ارزی به درآمد نفتی	W _{2,14}	نقاط فرصت (O)	
تداوم فعالیت	W ₃	بازدارندگی	O ₁
سلطه مالی دولت بر اقتصاد	W _{3,1}	نفوذ منطقه‌ای	O _{1,1}
بهره‌وری پایین عوامل تولید	W _{3,2}	تضاد و ناسازگاری اهداف و منافع اقتصادی کشورهای متخاصم با یکدیگر و کشورهای همسایه	O _{1,2}
ضعف سیستم‌های تشویقی برای استفاده از نخبگان	W _{3,3}	کاهش آسیب‌پذیری	O ₂
اشاعه فرهنگ رانت و تبعیض	W _{3,4}	همسایگی با بازارهای منطقه‌ای کشورهای درحال توسعه با ظرفیت‌های محدود تولیدی در عین داشتن نیازهای متنوع	O _{2,1}
کم‌توجهی به تحقیق و توسعه	W _{3,5}	تقاضای مؤثر منطقه‌ای برای گاز طبیعی و ظرفیت بالقوه بخش گاز	O _{2,2}
مصرف نا بهینه انرژی	W _{3,6}	تجارت محصولات با محتوای دانش بیشتر	O _{2,3}

قوانین تجاری ناکارآمد	W _{۳,۷}	تجارت خدمات و به کارگیری ظرفیت‌های خالی اقتصاد همچون استفاده از فناوری‌های حوزه it و استارت‌آپ های نوآورانه	O _{۲,۴}
کمبود ذخایر راهبردی	W _{۳,۸}	تداوم فعالیت	O _۳
اقتصاد دولتی و ساختار رانتی دولت	W _{۳,۹}	تولید محصولات جایگزین واردات با اولویت کالاهای ضروری	O _{۳,۱}
نقاط تهدید (T)		بخش خصوصی و سرمایه‌های ایرانیان در خارج از کشور	O _{۳,۲}
بازدارندگی	T _۱	کاهش وابستگی‌های فناوری در امور مهم	O _{۳,۳}
وجود رقبای منطقه‌ای قوی	T _{۱,۱}		
سهم اندک در اقتصاد بین‌الملل	T _{۱,۲}		
کاهش آسیب‌پذیری	T _۲		
نوسان بیش از حد و پیش‌بینی نشده قیمتی نفت، ضمن وابستگی به نفت	T _{۲,۱}		
کاهش درآمدهای صادراتی	T _{۲,۲}		
تداوم فعالیت	T _۳		
تحریم‌های حوزه حمل‌ونقل و زیرساخت	T _{۳,۱}		
تحریم‌های حوزه فناوری در امور راهبردی و سطح بالا	T _{۳,۲}		
تحریم‌های حوزه انرژی	T _{۳,۳}		
تحریم‌های حوزه مالی و بانکی	T _{۳,۴}		
ایجاد بی‌اعتمادی در بازار سرمایه‌گذاری‌های خارجی	T _{۳,۵}		
افزایش هزینه مبادلات تجاری	T _{۳,۶}		

منبع: یافته‌های پژوهش

پس از مشخص شدن عوامل جدول SWOT می‌توان راهبردهای متناسب را بر اساس این عوامل استخراج کرد. در جدول شماره (۲) به طور خلاصه، راهبردهای استخراج شده به همراه کدهای اختصاص داده شده به آن‌ها و ارتباط آن‌ها با عوامل جدول SWOT شامل نقاط قوت، نقاط ضعف، نقاط فرصت و نقاط تهدید به صورت کدگذاری شده نمایش داده شده است.

جدول شماره (۲) راهبردهای دفاع غیرعامل اقتصادی در راستای اهداف، محورها و رویکردهای اقتصاد مقاومتی

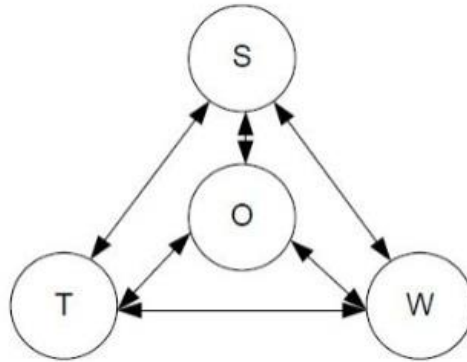
کد مرتبط	راهبرد	کد	نوع راهبرد
S _{۱,۱} - S _{۱,۲} - S _{۱,۳} - O _{۱,۱} - O _{۱,۲} - O _{۳,۲}	استفاده از دیپلماسی در رفع تهدیدات اقتصادی (فشار و حمایت از سوی طرف‌های تجاری ثالث برای لغو تحریم)	SO _۱	SO
S _{۲,۲} - S _{۲,۳} - S _{۳,۸} - O _{۲,۱}	توسعه اقتصاد روستایی	SO _۲	

نوع راهبرد	کد	راهبرد	کد مرتبط
ST	SO ^۳	تداوم اصلاحات ساختاری همچون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و طرح تحول	S ^۳ , ۱- S ^۳ , ۲- S ^۳ , ۵- S ^۳ , ۶- S ^۳ , ۷- O ^۲ , ۳
	SO ^۴	ظرفیت نوآورانه: شایسته‌سالاری - تحقیق و توسعه - دانش‌بنیان	S ^۲ , ۱- S ^۳ , ۱- S ^۳ , ۳- S ^۳ , ۸- O ^۲ , ۱- O ^۲ , ۲- O ^۲ , ۴- O ^۳ , ۱- O ^۳ , ۳
	ST ^۱	استفاده از انسجام اجتماعی در جهت تأثیرگذاری بر مجامع بین‌المللی	S ^۳ , ۹- T ^۲ , ۱- T ^۲ , ۲- T ^۲ , ۳- T ^۲ , ۴
ST	ST ^۲	پیمان‌های پولی دوجانبه	S ^۱ , ۲ S ^۱ , ۳- T ^۳ , ۴- T ^۳ , ۶
	ST ^۳	استفاده از فرهنگ جهادی در جهت حمایت از تولید داخل	S ^۳ , ۹- T ^۳ , ۵
	WO ^۱	بهره‌گیری از نفوذ منطقه‌ای در ایجاد حمایت سیاسی و اقتصادی	W ^۱ , ۱- W ^۱ , ۲- O ^۱ , ۱- O ^۱ , ۲
WO	WO ^۲	تنوع‌بخشی در تعاملات تجاری و مبادلات مالی	W ^۲ , ۳- W ^۲ , ۴- W ^۲ , ۵- O ^۱ , ۱- O ^۱ , ۲- O ^۳ , ۲
	WO ^۳	عدم اتکا برنامه‌های توسعه به نفت و افزایش درآمد مالیاتی با افزایش پایه مالیاتی و مبارزه با فرار مالیاتی	W ^۲ , ۱- W ^۲ , ۱۱- W ^۲ , ۱۴- O ^۲ , ۱- O ^۲ , ۳
	WO ^۴	اصلاحات ساختاری در تولید در جهت توجه بیشتر به سرمایه انسانی و تولید محصولات دانش‌بنیان با هدف کاهش وابستگی‌های فناوری	W ^۱ , ۳- W ^۳ , ۳- W ^۳ , ۵- O ^۲ , ۳- O ^۳ , ۳
	WO ^۵	توسعه خوداشتغالی	W ^۳ , ۱- W ^۳ , ۳- W ^۳ , ۹- O ^۲ , ۱- O ^۲ , ۲- O ^۲ , ۴
	WO ^۶	افزایش شفافیت و اشراف اطلاعاتی اقتصادی	W ^۲ , ۸- W ^۲ , ۹- W ^۲ , ۱۰- O ^۲ , ۳
	WO ^۷	توسعه مالی و کاهش سلطه مالی دولت	W ^۲ , ۱- W ^۳ , ۱- W ^۳ , ۹- O ^۲ , ۳
	WT	WT ^۱	تعامل راهبردی با شرکای تجاری و افزایش سهم بازار در اقتصاد جهانی
WT ^۲		ایجاد ساختار صنعتی با روابط داده - ستانده و زنجیره ارزش افزوده متکی به داخل	W ^۲ , ۶- T ^۲ , ۱- T ^۲ , ۲- T ^۳ , ۲- T ^۳ , ۴
WT ^۳		ایجاد و توسعه ذخایر راهبردی مواد اولیه و کالاهای ضروری و انرژی	W ^۳ , ۸- T ^۳ , ۱- T ^۳ , ۳

منبع: یافته‌های پژوهش

با مشخص شدن راهبردهای دفاع غیرعامل اقتصادی در راستای اهداف، رویکردها و محورهای اقتصاد مقاومتی، جدول برنامه‌ریزی راهبردی SWOT تکمیل گردید و حالا می‌توان با ترکیب این جدول با الگوی ANP الگوی راهبردی مدنظر را به صورت رتبه‌بندی راهبردهای شناسایی شده، به دست آورد. بدین منظور

ابتدا بایستی روابط درونی بین عوامل اصلی مشخص شود. در شکل (۲) روابط درونی بین عوامل اصلی بر اساس نظرات خبرگان و پیشینه پژوهش مشخص شده است. بر اساس شکل (۲) کلیه عوامل بر روی یکدیگر اثر می‌گذارند و در تحلیل ANP بایستی این اثرگذاری را در نظر گرفت.



شکل شماره (۲) روابط درونی بین عوامل SWOT

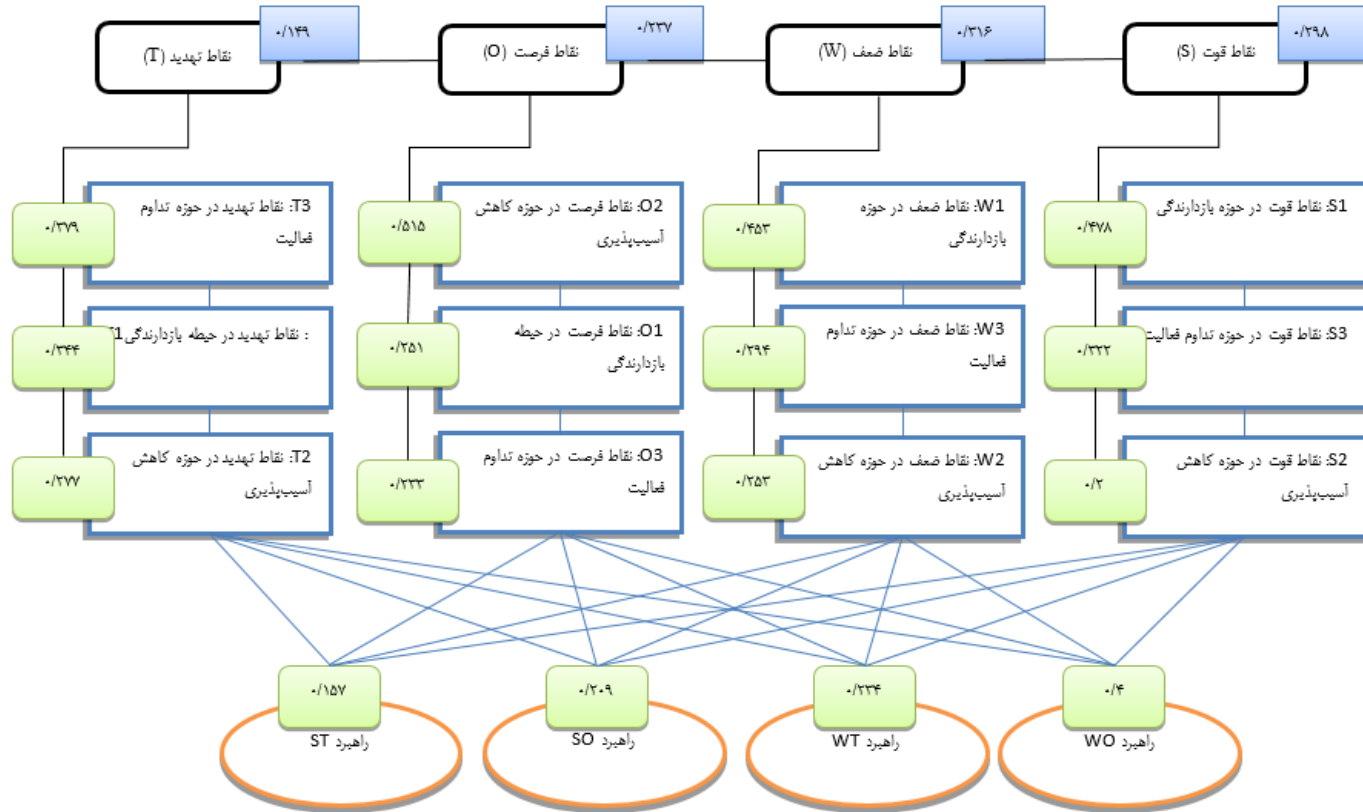
منبع: یافته‌های پژوهش

در مرحله قبل ابتدا عوامل شناسایی و توسط خبرگان تأیید شدند در این گام نیز جهت تعیین اهمیت و وزن آن‌ها از روش تحلیل فرایند شبکه‌ای ANP استفاده شده است. بدین منظور ابتدا ماتریس مقایسات زوجی معیارها و شاخص‌ها ایجاد شد و به صورت پرسشنامه در اختیار خبرگان قرار گرفت. تعداد خبرگان در این قسمت ۱۰ نفر می‌باشد. بعد از تکمیل ماتریس‌های مقایسات زوجی و ادغام توسط روش میانگین هندسی، نرخ ناسازگاری ماتریس مقایسات برای هر کدام محاسبه شده است تا مورد اعتبارسنجی قرار گیرند (در کلیه مقایسات نرخ ناسازگاری کمتر از ۰/۱ به دست آمد).

پس از مشخص شدن عناصر جدول SWOT، راهبردهای متناسب نیز با استفاده از الگوی ANP^۱ و مطابق شکل (۳) رتبه بندی شدند. نتایج نشان داد که در بعد معیارهای اصلی، معیار ضعف با وزن ۰/۳۱۶ رتبه اول، معیار قوت با وزن ۰/۲۹۸ رتبه دوم، معیار فرصت با وزن ۰/۲۳۷ رتبه سوم و معیار تهدید با وزن ۰/۱۴۹ رتبه چهارم را کسب کرده است. این امر اهمیت پوشش نقاط ضعف و بهره‌گیری از نقاط قوت در حوزه دفاع غیرعامل اقتصادی را بیان می‌کند. در واقع در راستای اهداف؛ رویکردها و محورهای اقتصاد مقاومتی باید به ظرفیت‌ها و توانایی‌های داخلی و همچنین رفع نقاط ضعف در حوزه دفاع غیرعامل اقتصادی توجه نمود. بر اساس اوزان نهایی زیر معیارهای نقاط قوت، نقاط قوت بخش بازدارندگی بالاترین وزن را به خود اختصاص داده است؛ بنابراین نقاط قوت با ظرفیت بازدارنده در حوزه دفاع غیرعامل اقتصادی باید به طور ویژه مورد توجه قرار گیرند. وضعیت جغرافیایی ایران ظرفیت مناسبی را در حوزه بازدارندگی به آن بخشیده است. در واقع، ارتباط با کشورهای زیاد در همسایگی و منطقه و همچنین تسلط بر کرودرهای تجاری مهم همچون تنگه هرمز می‌تواند هزینه‌های دشمن در جنگ اقتصادی را افزایش و تأثیرگذاری آن را کاهش دهد و به‌عنوان اهرمی

^۱ تجزیه و تحلیل مقایسات زوجی در الگوی ANP با استفاده از نرم افزار Super Decision انجام شده است.

بازدارنده عمل کند. البته این موضوع چالش‌های تأمین عدالت اقتصادی و امنیتی نیز به همراه دارد؛ بنابراین بایستی ضمن تأمین زیرساخت‌های مناسب برای بهره‌گیری از این نقطه قوت، پراکندگی مناسب در عدالت اقتصادی و امنیت را نیز برقرار نمود تا از تبدیل این نقطه قوت به نقطه ضعف جلوگیری نمود. نقاط ضعف در حوزه تداوم فعالیت بیشترین اهمیت را نشان می‌دهد و پس از آن نقاط ضعف در حوزه بازدارندگی و نقاط ضعف در حوزه کاهش آسیب‌پذیری قرار دارند. بنابراین بایستی با اتخاذ سیاست‌هایی همچون بهبود بهره‌وری و اصلاح رفتارهای مصرفی، رقابت‌پذیری در اقتصاد را بالا برد. همچنین با بهره‌گیری از ظرفیت‌های قانونی همچون اصل ۴۴ قانون اساسی، اجرای سیاست‌های مردمی کردن اقتصاد و حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، افزایش اشتغال را مدنظر قرار داد. بر اساس نتایج، فرصت‌های شناسایی شده در بخش کاهش آسیب‌پذیری بالاترین وزن را دارند و پس از آن فرصت‌ها در حوزه‌های بازدارندگی و تداوم فعالیت قرار دارند به گونه‌ای که وزن نقاط فرصت در حوزه کاهش آسیب‌پذیری بیش اندازه وزن فرصت در دو حوزه بازدارندگی و تداوم فعالیت است. این امر بر لزوم توجه ویژه به بهره‌گیری از فرصت‌های پیش رو در حوزه کاهش آسیب‌پذیری دفاع غیرعامل اقتصادی تأکید دارد. این موضوع لزوم فاصله‌گیری از تخصص‌گرایی افراطی و وابستگی به صادرات یک یا چند محصول خاص را بیان می‌کند که خود نیازمند متنوع سازی اقتصاد است. نقاط تهدید در حوزه‌های بازدارندگی و تداوم فعالیت وزن بیشتری نسبت به نقاط تهدید در حوزه کاهش آسیب‌پذیری دارند. بایستی در نظر داشت که در خصوص تحریم‌های حوزه فناوری، نوع و سطح فناوری هم مهم است؛ بنابراین اقداماتی همچون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان بایستی مدنظر قرار گیرد. با مشخص شدن اولویت‌ها، می‌توان الگوی راهبردی را در قالب شکل شماره (۳) ترسیم نمود.



شکل شماره (۳) الگوی راهبردی دفاع غیرعامل اقتصادی در راستای تحقق اهداف، رویکردها و محورهای اقتصاد مقاومتی منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج، در بین ۴ نوع راهبرد پژوهش، راهبرد WO با وزن ۰/۴ رتبه اول، راهبرد WT با وزن ۰/۲۳ رتبه دوم، راهبرد SO با وزن ۰/۲۰۹ رتبه سوم و راهبرد ST با وزن ۰/۱۵۷ رتبه چهارم را کسب کرده است. در جدول شماره (۳) راهبردها به همراه اولویت آن‌ها گزارش شده است.

جدول شماره (۳) اولویت بندی راهبردهای دفاع غیرعامل اقتصادی در راستای اهداف، محورها و رویکردهای اقتصاد مقاومتی

اولویت راهبرد	راهبردها	وزن
اولویت اول WO	بهره‌گیری از نفوذ منطقه‌ای در ایجاد حمایت سیاسی و اقتصادی	۰/۴
	تنوع‌بخشی در تعاملات تجاری و مبادلات مالی	
	عدم اتکا برنامه‌های توسعه به نفت و افزایش درآمد مالیاتی با افزایش پایه مالیاتی و مبارزه با فرار مالیاتی	
	اصلاحات ساختاری در تولید در جهت توجه بیشتر به سرمایه انسانی و تولید محصولات دانش‌بنیان با هدف کاهش وابستگی‌های فناوری	
	توسعه خوداشتغالی	
	افزایش شفافیت و اشراف اطلاعاتی اقتصادی	
	توسعه مالی و کاهش سلطه مالی دولت	
اولویت دوم WT	تعامل راهبردی با شرکای تجاری و افزایش سهم بازار در اقتصاد جهانی	۰/۲۳
	ایجاد ساختار صنعتی با روابط داده - ستانده و زنجیره ارزش افزوده متکی به داخل	
	ایجاد و توسعه ذخایر راهبردی مواد اولیه و کالاهای ضروری و انرژی	
اولویت سوم SO	استفاده از دیپلماسی در رفع تهدیدات اقتصادی (فشار و حمایت از سوی طرف‌های تجاری ثالث برای لغو تحریم)	۰/۲۰۹
	توسعه اقتصاد روستایی	
	تداوم اصلاحات ساختاری همچون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و طرح تحول	
	ظرفیت نوآورانه؛ شایسته‌سالاری - تحقیق و توسعه - دانش‌بنیان	
اولویت چهارم ST	استفاده از انسجام اجتماعی در جهت تأثیرگذاری بر مجامع بین‌المللی	۰/۱۵۷
	پیمان‌های پولی دوجانبه	
	استفاده از فرهنگ جهادی در جهت حمایت از تولید داخل	

منبع: یافته‌های پژوهش

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با در نظر گرفتن نتایج پژوهش شامل نقاط قوت، نقاط فرصت و نقاط تهدید و همچنین راهبردهای احصا شده در رابطه با دفاع غیرعامل اقتصادی، برای تقویت نقاط قوت و استفاده بهینه از فرصت‌ها و کاهش تهدیدها موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

بر اساس نتایج به دست آمده مشخص گردید که نقاط قوت در حیطة بازدارندگی بیشترین وزن را در بین نقاط قوت به دست آورده‌اند. ایران با داشتن سواحل طولانی در جنوب و شمال، قرارگیری در مرکزیت بیضی جهان و تسلط بر تنگه هرمز از ظرفیت مناسبی در حوزه بازدارندگی اقتصادی برخوردار است چراکه این ظرفیت‌ها امکان ارتباطات با کشورهای زیادی در همسایگی را ایجاد نموده و می‌تواند هزینه‌های بالقوه جنگ اقتصادی را برای دشمن افزایش دهد. چراکه کنترل روی کشور پهناور و با مرزهای زیاد پیچیده‌تر و پرهزینه‌تر است. با این وجود بایستی در نظر داشت که اگر عدم توانایی در برقراری امنیت و عدالت اقتصادی در سراسر کشور وجود داشته باشد این مزیت می‌تواند تبدیل به تهدید شود. از طرفی به منظور بهره‌گیری مناسب از موقعیت‌ها بایستی زیرساخت‌های متناسب را نیز ایجاد نمود به عنوان نمونه، برای بهره‌گیری از موقعیت ژئوپلیتیک محل عبور نفت و شاهراه شرق به غرب صرف داشتن ظرفیت کافی نیست بلکه باید عملاً خطوط لوله و ... موجود باشند. همچنین با توجه به گستره وسیع جغرافیایی، پراکندگی مناسب در عدالت اقتصادی و امنیت آن نیز مؤثر است. تمرکز در یک فضای در دسترس موجب افزایش آسیب‌پذیری است.

با بررسی نقاط قوت در حیطة کاهش آسیب‌پذیری می‌توان گفت که تنوع در فناوری‌های مورد استفاده به معنای وجود بازار برای فناوری‌های مختلف است و این امر به ایجاد صرفه‌های اقتصادی در تأمین و دستیابی به فناوری‌های مختلف کمک می‌کند. وابستگی به فناوری‌ها خاص و محدود چنانچه همراه با تأمین از خارج کشور باشد به معنای آسیب‌پذیری بیشتر است بنابراین با بازاریابی و تشویق به تأمین بومی فناوری‌های مختلف در حوزه‌های گوناگون می‌توان از تنوع فناوری‌های مورد استفاده در جهت کاهش آسیب‌پذیری بهره‌وری بیشتری نمود.

مناسب بودن اقلیم برای فعالیت اقتصادی در عین تنوع می‌تواند شرایط را برای تأمین امنیت غذایی فراهم کند چراکه وابستگی به خارج را در تأمین مواد غذایی به عنوان کالای اساسی را تا حد زیادی مرتفع می‌سازد. به منظور توسعه کشاورزی و اقتصاد روستایی بایستی عوامل متعددی را مدنظر قرار داد. عواملی همچون تأمین و توسعه مالی در بخش کشاورزی، بازاریابی، دسترسی به نهاده‌های با کیفیت، آموزش و تأمین زیرساخت‌های فیزیکی. نظام بانکی، به عنوان تأمین‌کننده اصلی نیازهای مالی بخش کشاورزی کشور بایستی با نظارت صحیح در جهت توزیع اعتبارات بانکی به نحوی که منجر به تقویت اساسی تولید شود، گام بردارد. همچنین با انعطاف‌پذیری مناسب، اثربخشی این اعتبارات را افزایش دهد.

پس از نقاط قوت در حیطة بازدارندگی، نقاط قوت کشور در حیطة تداوم فعالیت بیشترین وزن را در الگوی SWOT-ANP به دست آوردند. دسترسی به منابع تولید به‌ویژه سرمایه انسانی متخصص می‌تواند بازگشت به تعادل را پس از بروز جنگ اقتصادی تسریع کند. در ایران نیروی انسانی جوان و تحصیل کرده به واسطه زیرساخت‌های آموزشی گسترده به طور قابل ملاحظه‌ای وجود دارد اما آنچه که باعث افزایش قوت در این ناحیه می‌شود، کیفیت نیروی کار و سطح آموزش است؛ بنابراین بایستی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های آموزشی سعی در افزایش کیفیت نیروی کار و بهبود آموزش نمود. در واقع صرف وجود فارغ‌التحصیلان کافی نیست باید رشته، کیفیت و تناسب با نیازهای راهبردی ملاحظه شود تا نیروی انسانی به‌ویژه جوانان به صورت کارآمد مورد استفاده

قرار گیرند به نحوی که اقتصاد ظرفیت جذب آنها را داشته باشد اگر این جمعیت فعال به گونه مناسب مورد استفاده قرار نگیرند و یا اگر مشکل بیکاری وجود داشته باشد فشار به سیستم بیشتر می شود. در خصوص زیرساخت‌ها نیز توجه به گستردگی و استحکام آنان بایستی مورد توجه باشد. به نحوی که دسترسی نزدیک و کم‌هزینه مقدور گردد.

در حوزه تجارت و حمل‌ونقل، بنا بر تجارب سال‌های گذشته در رابطه با تحریم‌های مرتبط با خدمات کشتیرانی و خدمات بیمه‌ای، به نظر می‌آید تأمین زیرساخت‌ها به منظور رفع آسیب‌پذیری‌های این حوزه، ذیل قانون برنامه ششم توسعه، امری منطبق بر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی باشد. راهکارهای متفاوتی در رابطه با این تحریم‌ها می‌توان ارائه داد که از میان آنها می‌توان به تأمین پوشش‌های بیمه‌ای توسط شرکت‌های بیمه داخلی و یا پوشش‌های بیمه‌ای از بازارهای بیمه کشورهای در حال توسعه مانند: هند، ترکیه و امارات متحده عربی اشاره کرد.

کشور ایران دارای ظرفیت‌های فرهنگی در تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است که از طریق اقداماتی می‌توان این ظرفیت را افزایش داد برخی از اقدامات در این زمینه شامل موارد زیر است: گفتمان‌سازی به امر اقتصاد مقاومتی از طریق گسترش قانون‌گرایی، پرهیز از سیاست‌زدگی و نفع‌طلبی فردی و گروهی، اخلاق‌مداری، تعهدمندی و خدمت‌رسانی در جهت کاستن از ضعف مدیریت‌های موجود که می‌تواند سبب کاهش سرمایه اجتماعی و افزایش بدبینی در مردم شود. تغییر نگاه به میراث‌فرهنگی و اشتغال به‌ویژه اشتغال زنان از صورت‌هایی حمایت‌گرایانه و هزینه‌ای به صورت‌هایی مولد و کارآمد.

در رابطه با نقاط ضعف در حیطه بازدارندگی می‌توان بیان داشت که امروزه با وجود روابط گسترده جهانی و درهم‌تنیدگی اقتصاد کشورها با یکدیگر، با در نظر گرفتن مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی و الزامات دفاع غیرعامل اقتصادی، آنچه که در عصر جهانی شدن اهمیت ویژه‌ای دارد، اولویت قائل شدن برای تعاملات سازنده و اثربخش اقتصادی و بازرگانی همراه با در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی و ایدئولوژیک است.

بر اساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ در چشم‌انداز بیست‌ساله، ایران کشوری با تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت در نظر گرفته شده است. در همین راستا، در سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی نیز بر رویکرد برون‌گرایانه در عین تکیه بر درون‌زایی اقتصاد تأکید شده است.

در شرایط کنونی، اهمیت و نقش قدرت و توانمندی‌های اقتصادی در تعیین جایگاه کشورها در نظام بین‌الملل، بر کسی پوشیده نیست. از طرفی، در دستیابی به جایگاه مستحکم اقتصادی، حوزه سیاست خارجی می‌تواند نقش ویژه‌ای داشته باشد که بایستی بیش‌ازپیش مورد توجه قرار بگیرد. در همین راستا، اتخاذ سیاست‌های خارجی تعاملی و توسعه‌گرا در عرصه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌ویژه تعامل با کشورهای صاحب علم و فناوری خصوصاً کشورهای بلوک شرق و آسیای شرقی، ضمن مدیریت بهینه منابع و ظرفیت‌ها و توانمندی‌های داخلی توصیه می‌گردد. این عوامل در روند رشد و توسعه پایدار جمهوری اسلامی ایران می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند.

سرمایه‌گذاری کلان در فعالیت‌های غیرمولد و غیر صادراتی تولید را نباید به تولید فیزیکی و کالایی محدود کرد. چنانچه فرهنگ و امثال آن هم مستلزم سرمایه‌گذاری کلان باشند، می‌توانند آسیب‌پذیری را کاهش دهند. در مورد نقاط ضعف احصا شده در حیطه کاهش آسیب‌پذیری، وابستگی شدید بودجه جاری و عمرانی کشور به درآمد نفت و گاز و نوسانات تقاضای نفت در جهان ناشی از تحولات در بخش تولید و میزان بهره‌وری انرژی و همچنین تحریم‌های نفتی، نوسانات درآمدهای ارزی کشور ناشی از صادرات نفت را در پی داشته و بازار ارز را متأثر ساخته است. از طرفی تخلیه مخازن و چالش عدالت بین‌نسلی نیز مطرح است. این امر لزوم توجه به درآمدهای صادراتی پایدار و کم ریسک را متذکر می‌شود.

ایران دارای منابع عظیم انرژی است و نفت و درآمدهای ارزی حاصل از صادرات آن، همواره بخش مهمی از صادرات ایران و منابع بودجه دولت بوده است. وابستگی درآمدهای دولت و تراز ارزی کشور به فروش نفت، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ضعف‌های ساختاری کشور و شاید مهم‌ترین عامل آسیب‌پذیری اقتصاد ایران بوده است. این وابستگی به درآمد نفتی به‌نوعی دولت‌ها را به تصور مبرا دانستن خود از گزارش‌دهی دقیق نحوه هزینه کرد آن واداشته است و سبب گسترش مشکلاتی همچون توزیع رانت و شیوع فساد، بهره‌وری پایین، رواج و گسترش واردات کالاهای مصرفی و به‌نوعی بیماری هلندی و تضعیف تولید داخلی شده است.

در طی چند دهه اخیر، نحوه برخورد با درآمدهای نفتی به‌گونه‌ای بوده که قیمت نفت و میزان صادرات آن، مهم‌ترین عامل در تنظیم بودجه بوده است. این در حالی است که متغیری همچون قیمت نفت، متغیری برون‌زا بوده و خارج از کنترل مؤثر محسوب می‌شود (با کاهش سهم ایران از بازار صادرات نفتی میزان تأثیرگذاری کمتر هم می‌شود). براین اساس سهم عمده درآمدهای نفتی از بودجه و اثر شوک‌های نفتی بر بی‌ثباتی اقتصاد کشور، همواره تهدیدی برای اقتصاد کشو و محلی برای جنگ اقتصادی و اعمال تحریم علیه کشور بوده است. کشورهایی که وابستگی به صادرات کالاهای محدودی دارند، در معرض بی‌ثباتی قرار دارند چراکه با تغییر قیمت آن کالاها، عموماً دچار شوک‌های اقتصادی می‌شوند. سبب صادراتی ضعیف همچون کالاهای با تقاضای بی‌کشش نوعی تهدید اقتصادی محسوب می‌گردد؛ بنابراین تقویت سبب صادراتی با افزایش حجم و سهم از تجارت جهانی به‌ویژه در صادرات کالاهای با فناوری بالا ضمن افزایش قدرت اقتصادی در نظم نوین اقتصاد جهانی، می‌تواند به کاهش آسیب‌پذیری در این زمینه نیز کمک کند.

تا قبل از جنگ جهانی دوم اغلب نظریه‌های تجارت آزاد با الهام از نظریه‌های تجارت کلاسیک از زمان آدام اسمیت و ریکاردو، مبتنی بر مزیت نسبی، تخصص‌گرایی و تقسیم‌کار بین‌المللی بود اما بعد از جنگ جهانی دوم این مسئله با این استدلال که تخصصی شدن کشورهای پیشرفته، دلالت بر الگوهای تجارتی دارد که بیشتر بر پایه صادرات مواد خام در کشورهای درحال توسعه و تولید کالاهای سرمایه‌ای در کشورهای پیشرفته است، به چالش کشیده شد. می‌توان انتظار داشت تجارت آزاد و تخصصی شدن، کشورهای درحال توسعه را به تولید کالاهای پایه منحصر می‌کند که در بلندمدت آثار زیان‌باری را برای این کشورها خواهد داشت. عموماً کشورهای پایه که سبب صادراتی آنها متمرکز و یا غیر متنوع است، در معرض نوسانات تجاری شدیدتری قرار دارند و آسیب‌پذیری بیشتری دارند.

جریان تجارت در میان کشورها تا حد زیادی وابسته به تفاوت دانش فنی میان آنها است. محصولات با فناوری بالا به واسطه ایجاد ارزش افزوده بالاتر نسبت به محصولات دیگر، یکی از بخش‌های مهم در صادرات کالا بین کشورها را تشکیل می‌دهند و مقدار صادرات یک کشور را با سطح فناوری محصولات صادراتی آن کشور مرتبط کرده است.

بررسی وضعیت صادرات کشور نشان‌دهنده سهم ناچیز محصولات با فناوری بالا در تجارت خارجی ایران است که عمدتاً ناشی از ضریب پایین نفوذ فناوری در میان بنگاه‌ها و عدم وجود برنامه مشخص در تولید محصولات با فناوری بالا است. در این راستا، تقویت رابطه صنعت و دانشگاه، افزایش سهم هزینه‌های تحقیق و توسعه و تأمین مالی اتخاذ فناوری بالا و انتقال فناوری با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توصیه می‌گردد. وابستگی به نهادهای بین‌المللی در کنار مزایایی همچون افزایش سرعت و دقت در معاملات بین‌المللی و کاهش هزینه‌های آنها، در شرایط خاص می‌تواند یکی از مجاری آسیب‌پذیری اقتصاد باشد. تجربه تحریم سوئیت همراه با تحریم بانک‌های ایران و بانک مرکزی نشان‌دهنده آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از ناحیه وابستگی به نهادهای کشورهای متخاصم در تعاملات مالی و بانکی بین‌الملل است. کاهش گشایش اعتبارات و نقل و انتقالات مالی با سایر کشورها، افزایش هزینه و زمان معاملات و مرادوات مالی و تجاری بین‌المللی، محدود شدن تولیدکنندگان در تأمین نیازهای وارداتی خود، قطع منابع ارزی و کاهش اعتبارات ارزی اعطایی به شرکت‌ها و افزایش ریسک تبادلات مالی شرکت‌ها با طرف تجاری از آسیب‌پذیری‌های این وابستگی است. مسئله‌ای که باید در رابطه با پرتفوی متشکل از ارزهای خارجی در نظر گرفت این است که دولت و بانک مرکزی بایستی روندهای آتی بازارهای مالی و ارزی دنیا را مدنظر قرار دهند و ترکیب ارزهای خارجی را به‌گونه‌ای کنترل کنند که با وقوع شوک‌های بین‌المللی و تغییرات ارزش ارزها نسبت به یکدیگر، منابع و ذخایر ارزی کشور دچار کاهش ارزش ریالی معادل نگردد.

به دلیل فقدان بانک اطلاعاتی مناسب و ضعف سازوکارهای قانونی و عدم اتصال پایگاه‌های اطلاعاتی به یکدیگر، عملاً توان اخذ مالیات واقعی از بسیاری مشاغل در کشور امکان‌پذیر نیست. درحالی‌که بسیاری از کارکنان بخش‌های دولتی و خصوصی که معمولاً قشر ضعیف‌تری در جامعه محسوب می‌شوند مالیات‌های خود از جمله مالیات حقوق را به طور کامل پرداخت می‌کنند. با در نظر گرفتن عدالت اقتصادی، ایجاد سازوکاری برای اخذ مالیات از مشاغل و جلوگیری از فرار مالیاتی آنها امری ضروری به نظر می‌رسد.

از طرفی، استان‌ها و مناطق مختلف از نظر اوضاع اقتصادی، اجتماعی و مزیت‌های تولیدی با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. در نتیجه، نرخ‌ها و پایه‌های مالیاتی در استان‌ها و مناطق مختلف متفاوت می‌باشد. وضعیت رفاهی و توزیع در آمد نیز در استان‌ها و مناطق با یکدیگر متفاوت است که این امر می‌تواند ضرورتی برای برقراری مالیات محلی باشد و به اصلاح توزیع در آمد نیز کمک کند.

هرچند واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای می‌تواند ضمن تأمین نیازهای بخش‌های تولیدی، با افزایش رقابت‌پذیری صنایع داخلی، توان انتخاب مصرف‌کنندگان را افزایش دهد، اما وابستگی تولید به واردات کالاهای اساسی و کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای صنعت، در مواردی می‌تواند یکی از مجاری آسیب‌پذیری اقتصاد کشور تلقی گردد. بنابراین ضروری است تا در گام اول، این تجهیزات و کالاهای، با یک بررسی فراگیر در همه

صنایع احصا و شناسایی گردند و در گام دوم، در صورت امکان بومیسازی تولید آنها در دستور کار قرار گیرد و چنانچه این امر امکانپذیر نیست، نسبت به تأمین این تجهیزات از کشورهای دیگر، با در نظر گرفتن الزامات اقتصاد مقاومتی اقدام شود.

در میان نقاط ضعف شناسایی شده، نقاط ضعف در حوزه تداوم فعالیت‌های اقتصادی بیشترین وزن را به خود اختصاص دادند که نشان‌دهنده ضرورت توجه به این نقاط و برنامه‌ریزی در جهت رفع مشکلات و ضعف‌های این حوزه است.

ارتباط بهره‌وری انرژی با دفاع غیرعامل اقتصادی و اقتصاد مقاومتی به واسطه تأثیر بهره‌وری انرژی بر سطح رقابت‌پذیری در اقتصاد و عواملی همچون مدیریت منابع است. پایین بودن بهره‌وری انرژی به معنای تولید محصول کمتر در ازای مصرف مقدار مشخصی انرژی (و یا مصرف انرژی بیشتر در ازای تولید مقدار مشخصی محصول) است؛ بنابراین چنانچه بهره‌وری انرژی پایین باشد، با افزایش هزینه‌ها رقابت‌پذیری را کاهش می‌دهد. برخی از دلایل بهره‌وری پایین انرژی در ایران شامل موارد زیر است: وجود تلفات بسیار زیاد در شبکه انتقال و توزیع برق کشور. ۲. فرسوده بودن و راندمان بسیار پایین نیروگاه‌های کشور، عدم تکمیل زنجیره تولیدی در اکثر بخش‌های تولیدی صنعت، معدن، صنایع معدنی، پتروشیمی، کشاورزی و ... حمل‌ونقل بسیار نامطلوب و فقدان مدیریت منسجم و متمرکز کلان بخش و سهم غالب حمل‌ونقل جاده‌ای در جابه‌جایی کالا و مسافر، قاچاق بخش قابل توجهی از سوخت کشور (به‌خصوص نفت گاز، نفت کوره، نفت سفید و گاز مایع). وجود تلفات در شبکه گاز طبیعی و مصرف بالای سوخت توسط پالایشگاه‌ها، عدم مدیریت بر مصرف حامل‌های انرژی در بخش کشاورزی به‌خصوص در بهره‌برداری از منابع آب کشاورزی که علاوه بر مصرف بی‌رویه انرژی، مصرف آن را نیز غیربهرینه کرده است، صنایع سنگین انرژی‌بر با تکنولوژی فرسوده یا قدیمی با روش‌های تولید منسوخ و سهم اندک صنایع با فناوری پیشرفته و صنعت گردشگری در تولید ناخالص داخلی کشور و مصرف بالای انرژی در بخش محدودی از مصارف خانگی.

با بررسی دلایل مطرح شده می‌توان نقش پررنگ سیاستگذاران در راستای بهبود وضعیت بهره‌وری انرژی در اصلاح رفتارهای مصرفی مشاهده نمود؛ بنابراین نباید تنها مردم را در این موضوع دخیل دانست. چه بسا نقش و تأثیر دولت در این زمینه بسیار بیشتر از مردم باشد.

به‌منظور مردمی‌کردن اقتصاد پیشنهادهای مختلفی ارائه شده است از جمله حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط. این بنگاه‌ها اهمیت زیادی در بحث اشتغال‌زایی طبق دارند. اجرای سیاست‌های مردمی‌کردن اقتصاد در راستای سیاست‌های اصل چهل و چهارم قانون اساسی بایستی مدنظر قرار گیرد.

فرصت‌های روبروی کشورها امری همیشگی نیستند و بایستی پیش از آنکه با گذر زمان از دست بروند و یا حتی در برخی موارد به تهدید تبدیل شوند، مغتنم شمرده شوند.

با در نظر گرفتن نقاط فرصت در حوزه بازدارندگی بایستی توجه داشت که جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از جایگاه والای ژئواکونومیک، ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک از پتانسیل و ظرفیت بالقوه بالایی در این حوزه برخوردار است. با این وجود، جایگاه کنونی کشور در عرصه اقتصاد سیاسی بین‌الملل با وضعیت مناسب مطلوب در این زمینه فاصله دارد.

اصولاً سیاست خارجی در ارتباط دوسویه با سیاست داخلی و در تعامل با آن قرار دارد؛ بنابراین به منظور تحقق اهداف کلان ملی و به عینیت رسیدن سیاست خارجی در جهت منافع ملی، ضروری است تا در کنار طراحی روابط خارجی کارآمد در سطوح دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی، برقراری تعامل هم افزا میان دو سطح ملی و فراملی مدنظر قرار داد تا بتوان منابع، امکانات و فرصت‌های توسعه اقتصادی را در سایه ایجاد تعامل سازنده و مثبت با محیط ساختاری و کلان فراهم نمود.

کشور ایران به‌عنوان پل ارتباطی میان شرق و غرب عالم از دیرباز مورد توجه کشورها و تمدن‌های دنیا بوده است. از سویی کشور فعلی ایران بخشی از کشور پهناور تاریخی ایران است که طی قرون متمادی به‌عنوان قلمرو فرهنگی و تمدن ایران شناخته شده است. از نظر جغرافیایی و فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران را به‌نوعی می‌توان قلب خاورمیانه نامید. پیشینه فرهنگی ایران نسبت به سایر کشورهای این منطقه و هویت مذهبی آن و هم چنین قابلیت‌های اقتصادی ایران موجب تأثیرگذاری بالقوه هر چه بیشتر کشور در منطقه و حتی تحولات جهانی شده است. این نقش ارتباطی میان قاره‌های و مجاورت با خلیج فارس و تنگه هرمز که محل ترانزیت محموله‌های نفتی است، فرصت‌هایی را فراهم نموده تا با تعاملات سازنده، کشورهای متخاصم را تحت فشار قرار داده و هزینه‌های جنگ اقتصادی را برای آنان بالا ببرد.

مطابق نتایج تحقیق، نقاط فرصت در حوزه کاهش آسیب‌پذیری بیشترین وزن را به دست آوردند. می‌توان گفت که کشورها با وابستگی شدید به صادرات یک یا چند محصول خاص دچار عقب‌ماندگی می‌شوند، پدیده‌ای که می‌توان آن را تخصص‌گرایی افراطی نامید؛ بنابراین بایستی متنوع‌سازی اقتصاد مد نظر قرار گیرد. نقاط فرصت شناسایی شده در حوزه تداوم فعالیت لزوم استفاده از فرصت‌های موجود در این حوزه از دفاع غیرعامل اقتصادی را متذکر می‌شوند.

مفاهیم خودکفایی و استقلال نسبت به گذشته دچار تغییراتی شده‌اند. به‌این ترتیب که استقلال به معنای عدم واردات کالا یا نیازمند نبودن به واردات یک کالا در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه اگر یک کشور از بازارهای خرید متنوع بین‌المللی برخوردار باشد، قدرت چانه‌زنی بیشتری در مقابل تولیدکنندگان خواهد داشت و ریسک آسیب وارد شدن به استقلال کشور نیز کاهش می‌یابد. همچنین با تجهیز کشور به زیرساخت‌های ذخیره‌سازی و مصرف کارآمد کالاهای اساسی و راهبردی می‌توان با هزینه کمتری بر بسیاری از مشکلات غلبه کرد. در این راستا نظام برنامه‌ریزی کشور بایستی از ظرفیت‌سازی به سمت افزایش کارایی حرکت کند.

در خصوص سیاست جایگزینی واردات و خودکفایی در تولید کالاهای راهبردی و به‌خصوص کشاورزی بایستی در نظر داشت که هرچند لزوم توجه به مزایای تجارت و همچنین کارایی در بخش‌های مختلف اقتصادی نقش مؤثرتری در متنوع‌سازی اقتصاد نشان داده است، اما این موضوع در شرایط خاصی می‌تواند به یک تهدید در اقتصاد نیز تبدیل شود. زمانی که ذخیره‌سازی‌ها به‌درستی صورت نگیرد بازار دچار بحران می‌شود و اگر این بحران در مورد محصولات باشد که خود نهاده بخش‌های دیگر محسوب می‌شوند این چالش شدیدتر نیز خواهد شد. همچنین اگر شرایط اقتصاد بین‌الملل به‌گونه‌ای تغییر یابد که تأمین این نیازها به‌آسانی میسر نباشد، وضعیت جایگزینی واردات توجیه‌پذیر می‌گردد.

به‌عنوان نمونه، صنایع داخلی بدون رقابت با بازار جهانی، ممکن است به‌جای بهبود در فرایند تولید و فروش سعی در نفوذ خود در دولت و حکومت نمایند تا با برخورداری از حمایت، چنان سود زیادی به دست آورند که دیگر نیازی به کاهش هزینه و کسب رضایت مصرف‌کننده نبینند. این موارد راه را برای گسترش فساد هموار می‌کنند. از سوی دیگر چنانچه با تولید محصولات جایگزین واردات، مواد اولیه و واسطه‌ای از کشورهای متخاصم وارد شوند، در عمل همچنان وابستگی به این کشورها وجود خواهد داشت و تنها نوع واردات از کالاهای نهایی به واسطه‌ای تغییر پیدا کرده است. با توجه به این موارد، تحریم‌های تجاری می‌توانند رفاه کشور را کاهش دهند. در مقابل بحث فوق باید توجه داشت در شرایطی که تحریم از درون اقتصاد درخواست نشده، بلکه از بیرون بر اقتصاد تحمیل می‌شود، سیاست جایگزینی واردات امری گریزناپذیر است هرچند که این سیاست مشکلاتی را نیز در پی دارد.

سیاست جایگزینی واردات را می‌توان در مدتی مشخص و محدود و به‌خصوص در مورد بخش‌هایی که مستعدتر بوده و امید است که در آینده قدرت رقابت بین‌المللی را کسب خواهند کرد پیاده کرد؛ بنابراین می‌توان عنوان کرد که سیاست جایگزینی واردات هرچند بر اساس دیدگاهی که در گذشته وجود داشته، یک راهبرد بلندمدت به‌منظور دستیابی به رشد اقتصادی بوده است، اما این سیاست با توجه به تجربه جهانی آن، می‌تواند هم برای کوتاه‌مدت و گذر از شرایط بحران و هم برای تقویت بخش‌های اقتصادی مستعدتر و کسب توان تولید در سطح بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرد.

به‌منظور توسعه و پشتیبانی نوآوری و فعالیت‌های فناورانه می‌توان سیاست‌هایی را در سه جهت توسعه ظرفیت‌های فناورانه، بهبود محیط کسب‌وکار و ایجاد و تحریک تقاضا برای نوآوری بیان نمود. به‌منظور توسعه قابلیت‌ها و ظرفیت‌های فناوری می‌توان سیاست‌گذاری در زمینه بهبود کیفیت آموزش و ارتقا سرمایه انسانی، گسترش و تسهیل کانال‌های سرریز فناوری و یادگیری فناورانه پیشنهاد نمود. از سویی، با کنترل و مهار نهادهای مشوق رانت و فساد و توسعه مالی فعالیت‌های فناورانه و افزایش رقابت می‌توان به بهبود محیط کسب‌وکار کمک نمود. در نهایت بایستی سیاست‌گذاری در جهت تحریک طرف تقاضا و بازاریابی برای نوآوری را مدنظر قرارداد.

نقاط تهدید در حیطه بازرندگی از دیگر مواردی است که بایستی در نظر گرفته شود. مردمی نبودن و عدم اتکای کشورهای منطقه به ملت‌هایشان بخصوص کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و در نتیجه فقدان مشروعیت و داشتن ضعف داخلی در میان آن‌ها، ضمن تضعیف زمینه‌های همکاری و همگرایی بین کشورها، سبب حضور کشورهای فرامنطقه‌ای قدرتمند در منطقه شده است تا با جلب همکاری آنان، خلأهای امنیتی و قدرت خود را پر کنند. این حضور، زمینه نفوذ سیاسی و اقتصادی قدرت‌های بین‌المللی را در میان آن‌ها ایجاد نموده است. فقدان مشروعیت داخلی به بی‌ثباتی سیاسی می‌انجامد و بی‌ثباتی به اختلافات بین کشورها را افزایش می‌دهد که این امر بر زمینه‌های همکاری و رشد و توسعه اقتصادی منطقه تأثیر می‌گذارد.

از طرفی حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای و سرمایه‌گذاری‌های آنان در شرایط جنگ اقتصادی و تحریمی کشور ما، رقابت نابرابری را ایجاد می‌نماید از جمله سرمایه‌گذاری چینی‌ها در بندر گوادر پاکستان در رقابت با بندر چابهار در ایران.

در مورد نقاط تهدید در حوزه کاهش آسیب‌پذیری می‌توان گفت که نوسان بیش از حد و پیش‌بینی نشده قیمتی نفت، تا زمانی که کشور وابسته به درآمدهای نفتی باشد، تهدیدی برای اقتصاد کشور است بنابراین اگر اقتصاد غیرنفتی شود این مؤلفه کم‌اثر می‌گردد.

در میان نقاط تهدید شناسایی شده در حوزه دفاع غیرعامل اقتصادی، نقاط تهدید در حوزه تداوم فعالیت، بالاترین وزن را به خود اختصاص دادند.

در خصوص تحریم‌های حوزه فناوری، نوع و سطح فناوری هم مهم است. تحریم در حوزه فناوری‌های مهم به واسطه تأثیر بر اقتصاد، تهدیدی برای امنیت اقتصادی کشور هست. ایجاد بی‌اعتمادی در سرمایه‌گذاری‌های بعدی از دیگر تهدیداتی است که متوجه اقتصاد است. بایستی توجه نمود اگر با تحریم‌ها به صورت جهادی برخورد شود می‌توان اثرات زیان‌بار آنان را کاهش داد و آن‌ها را به فرصت تبدیل نمود.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- احمدیار، فاطمه و باقری، مصطفی (۱۳۹۵). *اقتصاد مقاومتی و پدافند غیرعامل*، کنفرانس پدافند غیرعامل و توسعه پایدار، وزارت کشور.
- اسفندیاری صفا، خسرو و دهقان، حبیب الله (۱۳۹۵). مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری، *فصلنامه مدیریت نظامی*، ۱۶(۱)، ۸۴-۶۰.
- امیری طهرانی زاده، سید محمدرضا (۱۳۹۴). مبانی سیستمی اقتصاد مقاومتی، *جستارهای اقتصادی ایران*، ۱۲(۲۳)، ۳۳-۵۱.
- بختیاری، ایرج (۱۳۹۵). تاثیر مؤلفه های دفاع اقتصادی کشور بر دفاع همه جانبه با تاکید بر رهنمودها (راهبردها) و اسناد ابلاغی مقام معظم رهبری، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، ۴(۵۴)، ۱۲۴-۹۳.
- تراب زاده جهرمی، محمدصادق؛ سجادیه، سید علیرضا و سمیعی نسب، مصطفی (۱۳۹۲). بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، *مطالعات انقلاب اسلامی*، ۱۰(۳۲)، ۴۶-۳۱.
- حسینی، سید شمس‌الدین (۱۳۹۲). اقتصاد ایران همراه با تحریم با تأکید بر عملکرد سال ۱۳۹۱، *فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی*، ویژه‌نامه کارنامه اقتصادی دولت نهم و دهم، ۱(۲)، ۲۰-۵.
- خاندوزی، سید احسان و حسین زاده، سید سعید (۱۳۹۴). راهبردهای دفاع اقتصادی از منظر قصص پیامبران الهی (بررسی موردی: قصص پیامبر اکرم (ص)، حضرت یوسف (ع) و حضرت شعیب (ع))، *فصلنامه آفاق امنیت*، ۸(۲۹)، ۱۱۴-۸۹.
- دانش آشتیانی، محمدباقر و رستمی، علی (۱۳۹۵). تحلیلی بر دکترین نظامی - دفاعی مقام معظم فرماندهی کل قوا (مدظله العالی) در محیط ملی و بین المللی، *فصلنامه علوم و فنون نظامی*، ۱۲(۳۶)، ۲۷-۵.
- دری نوگورانی، حسین (۱۳۷۹). استراتژی بازدارندگی در سیره علوی، *نشریه آینه پژوهش*، ۱۱(۶۶)، ۵۳-۳۸.
- سلیمانی، یاسر و پیغامی، عادل (۱۳۹۵). مؤلفه‌های الگوی مقاوم‌سازی اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری)، *فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج*، ۱۹(۷۱)، ۲۹-۵.
- سمیعی نسب، مصطفی (۱۳۹۳). دیپلماسی اقتصادی، راهبرد مقابله با تحریم‌های اقتصادی در منظومه اقتصاد مقاومتی، *فصلنامه آفاق امنیت*، ۷(۲۵)، ۱۴۷-۱۱۵.
- سیقلو، سجاد (۱۳۹۳). مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی، *فصلنامه معرفت اقتصادی*، ۵(۲)، ۱۷۳-۱۵۱.
- صادقی شاهدانی، مهدی و نصرآبادی، داود (۱۳۹۵). ثبات بانکداری اسلامی در برابر بحران مالی (مطالعه موردی: بحران مالی سال ۲۰۰۸)، *دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۹(۱۷)، ۱۱۸-۸۵.
- طلعیانی، مهدی (۱۳۹۵). *مبانی نظری دفاع اقتصادی*، تهران: انتشارات نیلوفران.

- غیاثوند، ابوالفضل و عبدالشاه، فاطمه (۱۳۹۴). شاخص‌های تاب‌آوری اقتصادی، *فصلنامه روند*، ۲۲(۷۱)، ۱۰۶-۷۹.
- غیاثوند، ابوالفضل؛ صداقت پرست، الدار؛ غلامرضا، سمیرا و ثنایی اقدم، محسن (۱۳۹۳). درباره سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (مروری بر ادبیات جهانی درباره تاب‌آوری ملی)، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۱۳۵۸۲.
- فرتوک زاده، حمیدرضا؛ دره شیری، محمدرضا و وزیر، جواد (۱۳۹۳). نقش صنعت دفاعی در گذار به اقتصاد مقاومتی، *فصلنامه آفاق و امنیت*، ۷(۲۵)، ۵۴-۳۹.
- فردرو، محسن (۱۳۹۰). آشنایی با دفاع غیرعامل از دیدگاه ارزش‌های دینی و دستورالعمل تبلیغی آن، تهران: انتشارات عابد.
- نوفرستی، محمد (۱۳۹۵). اقتصاد مقاومتی و راه‌های دستیابی به آن، *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۴(ویژه‌نامه اقتصاد مقاومتی)، ۱۶۸-۱۵۷.
- ولیزاده، اکبر (۱۳۹۰). رهیافت‌ها و نظریه‌های کارایی تحریم در اقتصاد سیاسی بین‌المللی، *فصلنامه سیاست*، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۴۱(۱)، ۳۶۵-۳۴۹.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای، به آدرس: khamenei.ir

منابع لاتین

- Drezner, D. W. (1999). *The sanctions paradox: Economic statecraft and international relations* (No. 65). Cambridge University Press.
- Hudec, O., Reggiani, A., & Šiserová, M. (2018). Resilience capacity and vulnerability: A joint analysis with reference to Slovak urban districts. *Cities*, 73, 24-35.
- Knippenberg, E., & Hoddinott, J. (2019). Shocks, social protection, and resilience: Evidence from Ethiopia. *Gates Open Res*, 3(702), 702.
- Marchese, D., Reynolds, E., Bates, M. E., Morgan, H., Clark, S. S., & Linkov, I. (2018). Resilience and sustainability: Similarities and differences in environmental management applications. *Science of the total environment*, 613, 1275-1283.
- McKinley, M. (2007). *Economic globalisation as religious war: Tragic convergence* (Vol. 58). Routledge.